راهنمای استفاده از کتاب

برای کسب بهترین نتیجه در امتحانات مدرسه گام‌های زیر را به ترتیب برای هر فصل طی کنید.

گام اول

فیلم آموزشی

۱. هر فصل به تعدادی جلسه تقسیم شده است.
۲. برای استفاده از فیلم‌های آموزشی هر جلسه QR-Codeهای صفحه بعد را اسکن کنید.
۳. در هر جلسه مطالب کتاب درسی درس به درس تدریس شده است.
۴. تمرین‌ها و فعالیت‌های کتاب درسی به صورت کامل تدریس شده است.

گام دوم

درسنامه آموزشی

۱. کلمه‌های جدید هر درس به همراه معنی آن‌ها و تعیین نوع کلمه (اسم، صفت، فعل و ...) آورده شده است. این کلمه‌ها در قالب یک جمله با ترجمهٔ فارسی آن آورده شده است تا کلمه‌های جدید به‌صورت کاربردی نشان داده شوند. در ضمن ترتیب این کلمه‌ها به صورت سطر به سطر می‌باشد.
۲. بخش گرامر، نگارش و تلفظ هر درس به‌طور کامل تشریح شده است. در درس‌نامه‌های هر درس، نمونه مثال‌های تشریحی و تستی با پاسخ کاملِ تشریحی منظور شده است تا به فهم عمیق مطالب کمک کند.
۳. کلیهٔ متن‌های کتاب درسی خط به خط با ترجمهٔ روان و سلیس آورده شده است.
۴. تمامی واژگان جدید سال یازدهم به صورت الفبایی در انتهای جلد اول آورده شده است.

گام سوم

پرسش‌های تشریحی

۱. سؤال‌های امتحانی هر درس، در قالبِ ((واژگان))، ((گرامر))، ((نگارش))، ((مکالمه))، متن "Cloze" و متن "Reading Comprehension" منظور شده است و انواعِ سؤال‌های تستی و تشریحی را پوشش می‌دهد که دارای پاسخ‌های کاملاً تشریحی است.
۲. سؤال‌های هر درس همهٔ مطالب کتاب درسی را پوشش می‌دهد.
۳. این سؤال‌ها دانش‌آموزان را برای امتحان‌های مدرسه آماده می‌کند.
۴. این سؤال‌ها می‌تواند منبع مناسبی برای ارزشیابی دبیران محترم باشد.
۵. در انتهای هر درس یک آزمون با پاسخ کاملاً تشریحی وجود دارد.

به جای آن‌که چندین کتاب بخوانید، کتاب‌های گاج را چندین بار بخوانید

جلد اول آمـــوزش

Lesson 1: Understanding People

Part 1: (Pages: 15-20) 10
Part 2: (Pages: 21-23) 14
Part 3: (Pages: 24-27) 15
Part 4: (Pages: 28-47) 19

Lesson 2: A Healthy Lifestyle

Part 1: (Pages: 49-54) 29
Part 2: (Pages: 55-57) 31
Part 3: (Pages: 58-63) 32
Part 4: (Pages: 64-79) 39

Lesson 3: Art and Culture

Part 1: (Pages: 81-86) 51
Part 2: (Pages: 87-89) 54
Part 3: (Pages: 90-94) 55
Part 4: (Pages: 95-107) 57

Irregular Verbs 67
A-Z Vocabulary 71

جلد دوم امـتحـان

Lesson 1: Understanding People

Part 1: (Pages: 15-20) 82
Part 2: (Pages: 21-23) 83
Part 3: (Pages: 24-27) 85
Part 4: (Pages: 28-47) 86
Exam 97

Lesson 2: A Healthy Lifestyle

Part 1: (Pages: 49-54) 102
Part 2: (Pages: 55-57) 103
Part 3: (Pages: 58-63) 105
Part 4: (Pages: 64-79) 106
Exam 117

Lesson 3: Art and Culture

Part 1: (Pages: 81-86) 123
Part 2: (Pages: 87-89) 124
Part 3: (Pages: 90-94) 126
Part 4: (Pages: 95-107) 127
Exam 138

آموزش

جلد اوّل:

انگلیسی یازدهم
English 11

سیر تا پیاز

درس اوّل

Lesson 1

Understanding People

Lesson 1

PART 1 (Pages 15 - 20)

Title Page - Get Ready - Conversation

Vocabulary واژگان درس

foreigner *(n.)* (فرد) خارجی

I saw two foreigners in the museum.

«من در موزه دو (نفر) خارجی دیدم.»

besides *(adv., prep.)* علاوه بر، در کنارِ

Besides my mother tongue, Persian, I speak English, French and Russian well.

«من علاوه بر زبان مادریم فارسی، انگلیسی، فرانسوی و روسی را خوب صحبت می‌کنم.»

mother tongue *(n.)* زبان مادری

She felt more comfortable talking in her mother tongue.

«او با صحبت کردن به زبان مادری‌اش احساس راحت‌تری داشت.»

experience *(n.)* تجربه

Do you have much experience of working with children?

«آیا شما تجربهٔ زیادی از کار کردن با کودکان دارید؟»

absolutely *(adv.)* قطعاً، حتماً، مطلقاً

She did absolutely no work.

«او مطلقاً هیچ کاری انجام نداد.»

fluently *(adv.)* به طور روان، سلیس

John spoke French fluently.

«جان فرانسوی را سلیس صحبت می‌کرد.»

to be honest صادقانه (بگویم)

To be honest, I don't know where your money is.

«صادقانه (بگویم)، من نمی‌دانم پول شما کجا است.»

point *(n.)* نکته

You made some interesting points in your book.

«شما در کتابتان به چند نکتهٔ جالب اشاره کردید.»

IRIB صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

Ahmad is a translator who works for IRIB.

«احمد مترجمی است که برای صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران کار می‌کند.»

written *(adj.)* نوشته، نوشتاری، نوشته شده، کتبی

The written exam is on Friday.

«آزمون نوشتاری (کتبی) در روز جمعه است.»

form *(n.)* شکل

Some languages have no written form.

«بعضی از زبان‌ها هیچ شکل نوشتاری ندارند.»

available *(adj.)* قابل دسترس، در دسترس

I'm sorry, the doctor is not available this afternoon.

«متأسفم، پزشک امروز بعد از ظهر در دسترس نیست.»

deaf *(adj.)* ناشنوا

She spoke loudly because her mother was a little deaf.

«او با صدای بلند صحبت کرد زیرا مادرش کمی ناشنوا بود.»

sign language *(n.)* زبان اشاره

Deaf people use sign language to communicate.

«افراد ناشنوا از زبان اشاره برای ارتباط برقرار کردن استفاده می‌کنند.»

communicate *(v.)* ارتباط برقرار کردن

People use language to communicate with each other.

«مردم از زبان استفاده می‌کنند تا با یکدیگر ارتباط برقرار کنند.»

parking lot *(n.)* پارکینگ

They are going to build a new parking lot downtown.

«آن‌ها قصد دارند در مرکز شهر یک پارکینگ جدید بسازند.»

turn off *(phr. v.)* خاموش کردن

You must turn off your cell phone. It's a rule.

«شما باید تلفن همراهتان را خاموش کنید. این یک قانون است.»

keep off *(phr. v.)* وارد نشدن

Keep off the grass.

«وارد چمن نشوید.»

grass *(n.)* چمن

Don't walk across the grass.

«روی چمن راه نروید.»

storybook *(n.)* کتاب داستان

He wrote many storybooks for children.

«او کتاب‌های داستان زیادی برای کودکان نوشت.»

begin *(v.)* شروع شدن، شروع کردن

The movie begins at 7:30.

«فیلم ساعت ۷:۳۰ شروع می‌شود.»

high school *(n.)* دبیرستان

Tom and I went to the same high school.

«تام و من به یک دبیرستان رفتیم.»

institute *(n.)* مؤسسه

My father works for the Institute of Science.

«پدر من برای مؤسسهٔ علوم کار می‌کند.»

project *(n.)* پروژه

They are working on a project to build a new airport.

«آن‌ها بر روی یک پروژه برای ساختن یک فرودگاه جدید کار می‌کنند.»

Moscow *(n.)* مسکو

Is Moscow the capital of Russia?

«آیا مسکو پایتخت روسیه است؟»

You're welcome! خواهش می‌کنم!

"Thank you for your help." "You're welcome."

«از کمک شما متشکرم.» «خواهش می‌کنم.»

Russian *(adj.)* روسی، اهل روسیه

Is your language teacher Russian?

«آیا معلم زبان شما روسی است؟»

ترجمهٔ متن کتاب درسی

مکالمه "Conversation"

Babak Saberian is a translator who works for IRIB[1]. Today, he is hosting Meysam in his office. Meysam is a high school student. He is interviewing Mr. Saberian for his school project.

بابک صابریان یک مترجم است که برای صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران کار می‌کند. امروز او در دفتر کارش میزبان میثم است. میثم دانش‌آموز دبیرستان است. او در حال مصاحبه با آقای صابریان برای پروژهٔ مدرسه‌اش است.

Meysam: Thank you Mr. Saberian for inviting me to your office. میثم: آقای صابریان از دعوت من به دفتر کارِتون متشکرم.

Mr. Saberian: You're welcome! آقای صابریان: خواهش می‌کنم!

Meysam: I heard you know three languages. Is that right? میثم: من شنیدم شما سه زبان می‌دونید. این درسته؟

Mr. Saberian: Well, actually four languages. آقای صابریان: خُب، راستش چهار زبان.

Meysam: Four! Really? What languages do you know? میثم: چهار! واقعاً؟ چه زبان‌هایی رو می‌دونید؟

Mr. Saberian: Besides my mother tongue, Persian, I know English, French and Russian well.

آقای صابریان: من علاوه بر زبان مادری‌ام فارسی، انگلیسی، فرانسوی و روسی رو خوب می‌دونم.

Meysam: Interesting! And when did you learn them? میثم: جالبه! و شما چه موقع اونا رو یاد گرفتید؟

Mr. Saberian: I began learning English at school when I was thirteen. Then I began learning French in a language institute when I was fifteen. And I learned Russian when I was a university student in Moscow.

آقای صابریان: من در مدرسه وقتی سیزده‌ساله بودم شروع به یادگیری انگلیسی کردم. بعد، وقتی پانزده‌ساله بودم در یک مؤسسهٔ زبان شروع به یادگیری فرانسوی کردم. و هنگامی‌که در مسکو دانشجو بودم روسی یاد گرفتم.

Meysam: Can you use all of them fluently? میثم: آیا شما می‌تونید از همهٔ اونا روان استفاده کنید؟

Mr. Saberian: I know all of them well, but I use English more.

آقای صابریان: من همهٔ اونا رو خوب بلدم، اما از انگلیسی بیش‌تر استفاده می‌کنم.

1. Islamic Republic of Iran Broadcasting: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

Meysam: OK. Do you think language learning should start as early as possible?

میثم: بسیار خُب. آیا شما فکر می‌کنید یادگیری زبان باید تا حد امکان زود شروع بشه؟

Mr. Saberian: My experience says interest and hard work are really more important than age.

آقای صابریان: تجربهٔ من می‌گه علاقه و سخت‌کوشی واقعاً مهم‌تر از سن هستن.

Meysam: Hmm … that's an important point. May I know what your favorite language is? English، French، or Russian?

میثم: هووم … این نکتهٔ مهمیه. آیا ممکنه بدونم زبان مورد علاقهٔ شما چیه؟ انگلیسی، فرانسوی یا روسی؟

Mr. Saberian: To be honest، I enjoy using them all، but my favorite language is absolutely my mother tongue!

آقای صابریان: صادقانه (بگم)، من از به کار بردن همهٔ اونا لذت می‌برم، اما زبان مورد علاقهٔ من قطعاً زبان مادریمه!

درسنامه

زبان‌ها و ملیت‌ها "Languages and Nationalities"

برای بیان ملیت‌ها هیچ قانون و قاعدهٔ خاصی وجود ندارد. برای این کار **معمولاً** به آخر نام کشورها، پسوندهایی مانند -an، -ese، -i، -sh اضافه می‌شود. دقت داشته باشید که **بعضی از ملیت‌ها نام زبان آن کشور نیز هستند**. شروع آن‌ها نیز با حرف بزرگ است.

Italy → Italian China → Chinese Iraq → Iraqi England → English

✶ جدول زیر را به خاطر بسپارید:

Country	Nationality	Language	معادل فارسی
Afghanistan	Afghan	Dari Persian، Pashtu	افغانستان
Armenia	Arminian	Arminian	ارمنستان
Azerbaijan	Azerbaijani	Azerbaijani Turkic	آذربایجان
Bangladesh	Bangladeshi	Bangla	بنگلادش
Bhutan	Bhutanese	Dzongkha	بوتان
Bulgaria	Bulgarian	Bulgarian	بلغارستان
China	Chinese	Standard Chinese (Mandarin/Putonghua)	چین
Czech Republic	Czech	Czech	جمهوری چک
France	French	French	فرانسه
Georgia	Georgian	Georgian; Russian	گرجستان
Germany	German	German	آلمان
Greece	Greek	Greek	یونان
India	Indian	Hindi; English; Bengali	هندوستان

درسنامه

Country	Nationality	Language	معادل فارسی
Iran	Iranian	Persian = Farsi	ایران
Iraq	Iraqi	Arabic; Kurdish	عراق
Italy	Italian	Italian	ایتالیا
Japan	Japanese	Japanese	ژاپن
Kazakhstan	Kazakhstani	Kazak; Russian	قزاقستان
Korea	Korean	Korean	کره
Laos	Laotian	Lao; French; English	لائوس
Myanmar	Burmese	Burmese	میانمار = برمه
Nepal	Nepalese	Nepali; Maithali	نپال
Oman	Omani	Arabic	عمان
Pakistan	Pakistani	Urdu; Punjabi	پاکستان
Poland	Polish	Polish	لهستان
Portugal	Portuguese	Portuguese; Mirandese	پرتغال
Russia	Russian	Russian	روسیه
Saudi Arabia	Saudi Arabian	Arabic	عربستان سعودی
Sweden	Swedish	Swedish	سوئد
Syria	Syrian	Arabic	سوریه
Tajikistan	Tajikistani	Tajik; Russian	تاجیکستان
Thailand	Thai	Thai (Siamese)	تایلند
Turkey	Turk	Turkish	ترکیه
United Arab Emirates	Emirati	Arabic	امارات متحدهٔ عربی
Uzbekistan	Uzbekistani	Uzbek; Russian	ازبکستان
Vietnam	Vietnamese	Vietnamese	ویتنام

تمرین جدول زیر را کامل کنید.

Country	Iran	.....	.....	Pakistan	Italy
Nationality	.....	.....	Spanish	.....	.....
Language	.....	Turkish	.....	.....	.....

Lesson 1

PART 2 (Pages 21 - 23)

New Words & Expressions

Vocabulary واژگان درس

farming *(n.)* کشاورزی
Mazandran is one of the best farming regions of Iran.
«مازندران یکی از بهترین منطقه‌های کشاورزی ایران است.»

region *(n.)* منطقه، ناحیه
You can find this animal in the northern regions of Sweden.
«شما می‌توانید این حیوان را در منطقه‌های شمالی سوئد پیدا کنید.»

continent *(n.)* قاره
Africa is the poorest continent.
«آفریقا فقیرترین قاره است.»

exist *(v.)* وجود داشتن
Does life exist on the other planets?
«آیا زندگی در سیاره‌های دیگر وجود دارد؟»

native *(adj.)* بومی، محلی
I went back to my native country in 1993.
«من در سال ۱۹۹۳ به کشور بومی‌ام (زادگاهم) برگشتم.»

speaker *(n.)* گویش‌ور
Native speakers of different languages range in number.
«گویش‌وران بومی زبان‌های مختلف از نظر تعداد با هم متفاوت هستند.»

price *(n.)* قیمت
Prices in this country are high.
«قیمت‌ها در این کشور بالا هستند.»

range *(v.)* فرق کردن، تغییر کردن، متغیر بودن
The ages of the students in the class ranges from 18 to 50.
«سن دانش‌آموزان در کلاس از ۱۸ تا ۵۰ متغیر است.»

popular *(adj.)* محبوب، پرطرفدار
Baseball is a popular sport in the US.
«بیسبال یک ورزش محبوب در آمریکا است.»

percent *(n.)* درصد
Ten percent of the people who work here are men.
«ده درصد از افرادی که این‌جا کار می‌کنند مرد هستند.»

imagine *(v.)* تصور کردن، فرض کردن
Can you imagine life without electricity?
«آیا شما می‌توانید زندگی را بدون الکتریسیته (برق) تصور کنید؟»

space *(n.)* فضا
Imagine you are traveling in space.
«فرض کنید که شما در حال سفر در فضا هستید.»

by *(prep.)* تا، تا قبل از
I must finish this work by ten o'clock.
«من باید این کار را تا (قبل از) ساعت ده تمام کنم.»

meet the needs of برآورده کردن نیازهای
How can we meet the needs of all the different groups?
«ما چگونه می‌توانیم نیازهای همهٔ گروه‌های مختلف را برآورده کنیم؟»

century *(n.)* قرن، سده
We are living at the beginning of the twenty-first century.
«ما در ابتدای قرن بیست و یکم زندگی می‌کنیم.»

explain *(v.)* توضیح دادن، شرح دادن
The teacher usually explains the new words to us.
«معلم معمولاً کلمه‌های جدید را برای ما توضیح می‌دهد.»

word *(n.)* کلمه، لغت
What's the Italian word for "cat"?
«کلمهٔ «cat» به زبان ایتالیایی چیست؟»

by means of توسط، با استفاده از
They traveled to London by means of train.
«آن‌ها با استفاده از قطار به لندن رفتند.»

society *(n.)* جامعه
We live in an Islamic society.
«ما در یک جامعهٔ اسلامی زندگی می‌کنیم.»

ability *(n.)* توانایی
She has the ability to do the job, but she must work harder.
«او توانایی انجام آن کار را دارد، اما باید سخت‌تر کار کند.»

amount *(n.)* مقدار، میزان
He spent a large amount of money yesterday.
«او دیروز مقدار زیادی پول خرج کرد.»

population *(n.)* جمعیت
China makes up 18% of the world's population.
«چین ۱۸٪ جمعیت دنیا را تشکیل می‌دهد.»

despite *(prep.)* علی‌رغم، برخلافِ
We are going out despite the bad weather.
«ما علی‌رغم هوای بد بیرون می‌رویم.»

take notice of توجه کردن به، توجه داشتن به
I didn't take any notice of what she said.
«من هیچ توجهی به آن‌چه او گفت نکردم.»

physical *(adj.)* فیزیکی، جسمی، جسمانی
I do some physical exercise every morning.
«من هر روز صبح ورزش فیزیکی انجام می‌دهم.»

mental *(adj.)* ذهنی، فکری
Do you have a mental picture of the accident?
«آیا تصویر ذهنی از تصادف دارید؟»

vary *(v.)* فرق داشتن، تغییر کردن، متغیر بودن
Class sizes vary from 8 to 15.
«اندازهٔ کلاس‌ها از ۸ تا ۱۵(نفر) متغیر است.»

each other *(pron.)* یکدیگر، همدیگر
Tom and John looked at each other angrily.
«تام و جان با عصبانیت به یکدیگر نگاه کردند.»

make up *(phr. v.)* تشکیل دادن
Women make up 56% of the student numbers.
«زن‌ها ۵۶٪ تعداد دانشجوها را تشکیل می‌دهند.»

Lesson 1

PART 3 (Pages 24 - 27)

Reading - Reading Comprehension - Vocabulary Development

Vocabulary واژگان درس

through *(prep.)* از طریقِ، توسطِ
The little boy got in through the window.
«آن پسر کوچک از طریق پنجره به داخل رفت.»

greatly *(adv.)* زیاد، بسیار، تا حد زیادی
The quality of health care varies greatly.
«کیفیت مراقبت‌های سلامت تا حد زیادی متفاوت است.»

so *(conj.)* بنابراین
There are no chairs available, so you must stand.
«هیچ صندلی‌ای در دسترس نیست، بنابراین شما باید بایستید.»

surprising *(adj.)* شگفت‌آور
It's not surprising that they lost.
«شگفت‌آور (تعجب‌آور) نیست که آن‌ها باختند.»

communication *(n.)* ارتباط
Parents need to have good communication with their children.
«والدین باید ارتباط خوبی با فرزندانشان داشته باشند.»

spoken *(adj.)* گفتاری، شفاهی
The spoken language is different from the written language.
«زبان گفتاری با زبان نوشتاری تفاوت دارد.»

wish *(n.,v.)* آرزو، آرزو کردن
I'm sure that you will get your wishes.
«من مطمئن هستم که تو به آرزوهایت خواهی رسید.»

feeling *(n.)* احساس
He likes to talk about his feelings.
«او دوست دارد در مورد احساساتش صحبت کند.»

means *(n.)* وسیله، روش، شیوه

Television is a means of communication.

«تلویزیون یک وسیلهٔ برقراری ارتباط است.»

impossible *(adj.)* غیرممکن

It is impossible to imagine the world without language.

«غیرممکن است که دنیا را بدون زبان تصور کرد.»

therefore *(adv.)* بنابراین، پس

It was late, therefore I didn't stay long.

«دیر بود، بنابراین من به مدت طولانی نماندم.»

no matter مهم نیست

Call me when you get there, no matter what the time is.

«هرموقع به آن‌جا رسیدی با من تماس بگیر، مهم نیست که ساعت چند است.»

synonym *(n.)* مترادف

Synonyms are words with similar meanings.

«مترادف‌ها کلمه‌هایی با معنی مشابه هستند.»

tiny *(adj.)* خیلی کوچک، ریز

He's from a tiny town that you've never heard of.

«او اهل یک شهر خیلی کوچک است که شما هرگز از آن نشنیده‌اید.»

simple *(adj.)* ساده، آسان

The camera is simple to use.

«استفاده کردن از این دوربین ساده است.»

seek *(v.)* جست‌وجو کردن، به دنبال ... گشتن

Some animals seek the sun to warm their bodies.

«بعضی از حیوانات به دنبال آفتاب می‌گردند تا بدنشان را گرم کنند.»

search for جست‌وجو کردن، در جست‌وجوی ... بودن

They're searching for the lost child.

«آن‌ها در جست‌وجوی بچهٔ گم‌شده هستند.»

luckily *(adv.)* خوشبختانه

There was an accident, luckily, no one was hurt.

«تصادفی رخ داد، خوشبختانه هیچ‌کس صدمه ندید.»

largely *(adv.)* زیاد، بسیار، تا حد زیادی

This story is largely true.

«این داستان تا حد زیادی واقعی است.»

form *(v.)* تشکیل دادن، تشکیل شدن

This project forms part of a larger project.

«این پروژه بخشی از یک پروژهٔ بزرگ‌تر را تشکیل می‌دهد.»

Oceania *(n.)* اقیانوسیه

Oceania is made up of Australia, New Zealand and some other countries.

«اقیانوسیه از استرالیا، نیوزلند و چند کشور دیگر تشکیل شده است.»

around *(adv.)* حدود، اطراف

They went around five o'clock.

«آن‌ها حدود ساعت پنج رفتند.»

learner *(n.)* فراگیر، یادگیرنده، شاگرد

My brother is a fast learner.

«برادر من یادگیرندهٔ سریعی است.»

interestingly *(adv.)* به طور جالب توجه، جالب این‌که

Interestingly, nobody could speak Chinese there.

«جالب این‌که در آن‌جا هیچ‌کس نمی‌توانست چینی صحبت کند.»

beginning *(n.)* ابتدا

We're going to Japan at the beginning of July.

«ما در ابتدای جولای به ژاپن می‌رویم.»

nearly *(adv.)* تقریباً

Nearly 100 people attended the ceremony.

«تقریباً ۱۰۰ نفر در آن مراسم حضور پیدا کردند.»

such *(det., pron.)* چنین، این‌چنین

As the speakers of such languages grow old and die, their languages will die.

«هم‌چنان که گویش‌وران چنین زبان‌هایی پیر می‌شوند و می‌میرند، زبان‌شان (هم) خواهد مرد.»

grow *(v.)* شدن

Children grow fat because they eat fast food.

«کودکان چاق می‌شوند زیرا فست فود می‌خورند.»

valuable *(adj.)* با ارزش، ارزشمند

You can find a lot of valuable information in this book.

«شما می‌توانید در این کتاب اطلاعات ارزشمند زیادی را بیابید.»

difference *(n.)* تفاوت، اختلاف

There's no difference between the two houses. They look exactly the same.

«هیچ تفاوتی بین این دو خانه نیست. آن‌ها دقیقاً شبیه به نظر می‌رسند.»

ترجمهٔ متن کتاب درسی

زبان‌های دنیا "Languages of the World"

Language is a system of communication.(1) It uses written and spoken forms.(2) People use language to communicate with each other in a society.(3) They exchange knowledge, beliefs, wishes, and feelings through it.(4)

زبان سیستم برقراری ارتباط است.(۱) آن از شکل‌های نوشتاری و گفتاری استفاده می‌کند.(۲) مردم در جامعه از زبان استفاده می‌کنند تا با یکدیگر ارتباط برقرار کنند.(۳) آن‌ها از طریق آن (زبان) تبادل دانش، عقاید، آرزوها و احساسات می‌کنند.(۴)

***

Languages vary greatly from region to region.(1) They are so different that a person may not understand the language of someone from another region, country or continent.(2) It is not surprising to hear that today about 7000 languages exist in the world.(3) There are more than 2000 languages in Africa, 1000 in the Americas, more than 2250 in Asia, about 230 in Europe, and more than 1300 in Oceania.(4)

زبان‌ها از یک منطقه به منطقهٔ دیگر خیلی فرق می‌کنند.(۱) آن‌ها آن‌قدر متفاوت هستند که یک شخص ممکن است زبان یک نفر از یک منطقه، کشور یا قارهٔ دیگر را درک نکند.(۲) جای تعجب نیست که بشنویم امروزه حدود ۷۰۰۰ زبان در دنیا وجود دارند.(۳) در آفریقا بیش از ۲۰۰۰ (زبان)، در آمریکا ۱۰۰۰ (زبان)، در آسیا بیش از ۲۲۵۰ (زبان)، در اروپا حدود ۲۳۰ (زبان) و در اقیانوسیه بیش از ۱۳۰۰ زبان وجود دارند.(۴)

***

Native speakers of these languages range in number from very large, with hundreds of millions of speakers, to very small, with fewer than 10 speakers.(1) The most popular language in the world is Chinese.(2) More than one billion people in the world speak Chinese.(3)

گویش‌ورهای بومی این زبان‌ها از نظر تعداد از خیلی زیاد، با صدها میلیون گویش‌ور، تا خیلی کم، با کم‌تر از ۱۰ گویش‌ور متغیر هستند.(۱) پرطرفدارترین زبان دنیا چینی است.(۲) بیش از یک میلیارد نفر در دنیا چینی صحبت می‌کنند.(۳)

***

Interestingly, English has fewer native speakers than Chinese, but there are about one billion learners of English all around the world.(1) They learn English as an international language.(2)

جالب این‌که انگلیسی گویش‌ورهای بومی کم‌تری از چینی دارد اما در سرتاسر جهان حدود یک میلیارد فراگیر انگلیسی وجود دارد(۱). آن‌ها زبان انگلیسی را به عنوان یک زبان بین‌المللی یاد می‌گیرند.(۲)

***

About fifty percent of the world's languages have fewer than 5000 speakers.(1) In the beginning of this century, 204 languages had fewer than 10 speakers and 344 languages had between 10 and 99 speakers.(2) The 548 languages with fewer than 99 speakers make up nearly 8 percent of the world's languages.(3) We call them "endangered languages".(4) As the speakers of such languages grow old and die, their languages will die, too.(5)

حدود پنجاه درصد از زبان‌های دنیا کم‌تر از ۵۰۰۰ گویش‌ور دارند.(۱) در ابتدای این قرن، ۲۰۴ زبان کم‌تر از ۱۰ گویش‌ور و ۳۴۴ زبان بین ۱۰ تا ۹۹ گویش‌ور داشتند.(۲) ۵۴۸ زبان با کم‌تر از ۹۹ گویش‌ور حدود ۸ درصد زبان‌های دنیا را تشکیل می‌دهند.(۳) ما آن‌ها را «زبان‌های در معرض خطر» می‌نامیم.(۴) هم‌چنان‌که گویش‌ورهای چنین زبان‌هایی پیر می‌شوند و می‌میرند، زبان‌هایشان نیز خواهند مرد.(۵)

***

All languages are really valuable, despite their differences.(1) Every language is an amazing means of communication that meets the needs of its speakers.(2) It is impossible to imagine the world without language.(3) Therefore, we should respect all languages, no matter how different they are and how many speakers they have.(4)

همهٔ زبان‌ها علی‌رغم اختلاف‌هایشان واقعاً با ارزش هستند.(۱) هر زبانی یک وسیلهٔ ارتباطی شگفت‌انگیز است که نیازهای گویش‌ورهایش را برآورده می‌کند.(۲) غیرممکن است که دنیا را بدون زبان تصور کرد.(۳) بنابراین، ما باید به همهٔ زبان‌ها احترام بگذاریم، مهم نیست که آن‌ها چقدر متفاوت هستند و چند گویش‌ور دارند.(۴)

درسنامه

Reading Strategy

Scanning

شما می‌توانید برای پیدا کردن سریع **اطلاعات خاص** مانند عدد، نام، کلمه یا عبارت، یک متن را scan کنید.

برای scan کردن مرحله‌های زیر را انجام دهید:

۱- از اطلاعاتی که به دنبال آن هستید یک تصویر شفاف در ذهن خود بسازید.

۲- آن اطلاعات را جست‌وجو کنید.

۳- چشم‌های خود را به سرعت روی متن حرکت دهید. همهٔ کلمه‌ها را نخوانید. هر موقع اطلاعات را پیدا کردید، متوقف شوید، جمله را بخوانید و اطلاعات را علامت بزنید.

تمرین بدون این‌که متن را بخوانید، به سؤالات زیر پاسخ دهید.

The Giant Panda is a superstar in the animal kingdom. The forests where pandas live are becoming smaller and smaller, so they may not be able to find mates or food anymore. They only live in the forests of China. The Giant Pandas' favorite food is bamboo. Sometimes they also eat small animals and insects, as well as fruits. Giant Pandas are part of the bear family. When awake, they are almost always eating bamboo. They just love to eat!

(a) Find TWO 'proper nouns'. (1) ..... (2) .....

(b) Find TWO 'adverbs of frequency'. (1) ..... (2) .....

(c) What do pandas eat? .....

پاسخ:

(a) همان‌طور که می‌دانید « Proper noun » یا اسم خاص، اسمی است که با حرف بزرگ شروع می‌شود، پس به دنبال کلمه‌هایی باشید که با حرف بزرگ شروع شده و اسم یک «چیز خاص» هستند. پس پاسخ سؤال (a) دو کلمهٔ Giant Panda و China هستند.

(b) قبلاً آموختید که adverbs of frequency (قیدهای تکرار) کلمه‌های always, usually, sometimes, often, never هستند، در نتیجه با حرکت سریع چشم به دنبال آن‌ها باشید. پس پاسخ سؤال (b) sometimes و always هستند.

(c) برای پاسخ به این سؤال دنبال کلمه‌های کلیدی eat و food باشید. با توجه به این، پاسخ سؤال (c) به‌صورت زیر است:

bamboo, small animals , insects, fruits

Lesson 1

PART 4 (Pages 28 - 47)

Grammar - Listening & Speaking - Pronunciation - Writing - What You Learned

Vocabulary واژگان درس

meat *(n.)* گوشت
I gave up eating meat a few months ago.
«من چند ماه پیش خوردن گوشت را ترک کردم.»

coffee shop *(n.)* کافی‌شاپ
We bought the cake at the hotel's coffee shop.
«ما آن کیک را در کافی‌شاپ هتل خریدیم.»

order *(v.)* سفارش دادن
I'd like to order a large cheese pizza.
«من تمایل دارم یک پیتزای پنیر بزرگ سفارش بدهم.»

glass *(n.)* لیوان
She put the glass of water on the table.
«او لیوان آب را روی میز قرار داد.»

wrongly *(adv.)* به طور اشتباه، اشتباهاً
The student translated the text wrongly.
«آن دانشجو (دانش‌آموز) متن را به طور اشتباه ترجمه کرد.»

traffic *(n.)* ترافیک، رفت‌وآمد
There's always a lot of traffic at this time of day.
«همیشه در این وقت از روز ترافیک زیادی است.»

soup *(n.)* سوپ
Do you like chicken soup?
«آیا تو سوپ مرغ دوست داری؟»

melon *(n.)* هندوانه، خربزه
I ate a slice of melon.
«من یک برش از هندوانه خوردم.»

dollar *(n.)* دلار
They will pay you in American dollars.
«آن‌ها به دلار آمریکا به شما پرداخت خواهند کرد.»

Canadian *(adj.)* کانادایی، اهل کانادا
We watched a Canadian movie last September.
«ما در سپتامبر گذشته یک فیلم کانادایی دیدیم.»

disappear *(v.)* ناپدید شدن
My keys disappeared again.
«کلیدهای من دوباره ناپدید شدند.»

live *(adj.)* زنده
We watched a live television program.
«ما یک برنامهٔ تلویزیونی زنده تماشا کردیم.»

uncountable *(adj.)* غیرقابل‌شمارش
I saw an uncountable number of people near the building.
«من تعداد غیرقابل‌شمارشی از افراد را نزدیک ساختمان دیدم.»

bag *(n.)* کیسه، گونی، کیف
She packed her lunch in a paper bag.
«او ناهارش را در یک کیسهٔ کاغذی بسته‌بندی کرد.»

slice *(n.)* تکه، برش
I took a slice of bread and ate it.
«من یک تکه نان برداشتم و آن را خوردم.»

piece *(n.)* قطعه، تکه
She wrote something on a small piece of paper.
«او روی یک تکهٔ کوچک کاغذ چیزی نوشت.»

bottle *(n.)* بطری
Can I open another bottle of milk?
«آیا من می‌توانم یک بطری شیر دیگر باز کنم؟»

sugar *(n.)* شکر، قند
Do you take sugar in your coffee?
«آیا تو در قهوه‌ات شکر می‌ریزی؟»

loaf *(n.)* قرص (نان)
There's a loaf of bread on the table.
«یک قرص نان روی میز است.»

kilo *(n.)* کیلو
My father bought ten kilos of rice.
«پدرم ده کیلو برنج خرید.»

borrow *(v.)* قرض کردن، قرض گرفتن

Can I borrow your camera?

«آیا می‌توانم دوربین شما را قرض کنم؟»

turn on *(phr. v.)* روشن کردن

She turned on the computer a few minutes ago.

«او رایانه را چند دقیقهٔ پیش روشن کرد.»

song *(n.)* آواز، شعر، سرود

My grandfather sang an old song.

«پدربزرگم یک آواز قدیمی خواند.»

grade *(n.)* نمره، امتیاز

I got a good grade on the math test.

«من در آزمون ریاضی نمرهٔ خوبی گرفتم.»

photograph *(n.)* عکس

I always take a lot of photographs when I travel.

«من همیشه وقتی مسافرت می‌کنم تعداد زیادی عکس می‌گیرم.»

pick up *(phr.,v.)* برداشتن، بلند کردن

I picked up the bags and read the explanations.

«من آن کیسه‌ها را برداشتم و توضیحات را خواندم.»

explanation *(n.)* توضیح، شرح

The teacher's explanation was very clear.

«توضیح معلم خیلی واضح بود.»

honestly *(adv.)* صادقانه

I can honestly say that I have never seen that man before.

«من می‌توانم صادقانه بگویم که هرگز آن مرد را قبلاً ندیده‌ام.»

somewhere *(adv.)* جایی

She lives somewhere in this city.

«او جایی در این شهر زندگی می‌کند.»

at last سرانجام، بالاخره

At last, it was time to leave the hotel.

«سرانجام وقت آن بود که هتل را ترک کنیم.»

candle *(n.)* شمع

How many candles do you need?

«شما چه تعداد شمع احتیاج دارید؟»

cost *(v.)* ارزیدن، قیمت داشتن

How much does this bag cost?

«این کیف چقدر می‌ارزد؟»

pencil-sharpener *(n.)* مدادتراش

My new pencil-sharpener is on the desk.

«مدادتراش جدید من روی میز است.»

ruler *(n.)* خط‌کش

This ruler shows only centimeters.

«این خط‌کش فقط سانتی‌متر را نشان می‌دهد.»

notebook *(n.)* دفتر

Take out your notebook and write down some of your ideas.

«دفترت را بیرون بیاور و تعدادی از ایده‌هایت را بنویس.»

almost *(adv.)* تقریباً

Dinner is almost ready.

«شام تقریباً آماده است.»

first *(adv., det.)* اول، اولین، ابتدا

English is not my first language.

«انگلیسی زبان اول (مادری) من نیست.»

second *(adv., det.)* دوم، دومین

That's the second time I've seen him today.

«این دومین بار است که او را امروز دیده‌ام.»

third *(adv., det.)* سوم، سومین

'C' is the third letter in the alphabet.

«حرف C سومین حرف الفبا است.»

fourth *(adv., det.)* چهارم، چهارمین

I finally saw him on the fourth day.

«من سرانجام او را در چهارمین روز دیدم.»

smart *(adj.)* باهوش، هوشمند، زرنگ

Tom is a smart boy.

«تام پسری باهوش است.»

Workbook Vocabulary
واژگانِ کتاب کار

Belgium *(n.)* بلژیک
My uncle lives in Belgium.
«عموی من در بلژیک زندگی می‌کند.»

hint *(n.)* نکته
He wrote some helpful hints about how to improve speaking skills.
«او نکته‌های مفیدی در مورد چگونگی بهبود بخشیدن مهارت‌های صحبت کردن نوشت.»

suggest *(v.)* پیشنهاد کردن
Simon suggested going for a walk.
«سایمون پیشنهاد کرد به پیاده‌روی برویم.»

plenty (of) *(pron.)* مقدار زیاد، فراوان، بسیار
We have plenty of time to get there.
«ما وقت زیادی داریم تا به آن‌جا برسیم.»

extra *(adj.)* اضافه، اضافی
She had to work on weekends to get some extra money.
«او مجبور بود در (تعطیلات) آخرهفته کار کند تا مقداری پول اضافی بگیرد.»

improve *(v.)* بهبود بخشیدن، بهبود یافتن
I need to improve my French.
«من باید (زبان) فرانسوی‌ام را بهبود ببخشم.»

consider *(v.)* در نظر گرفتن، در نظر داشتن
We must consider what to do next.
«ما باید در نظر بگیریم که بعداً می‌خواهیم چه کار بکنیم.»

add *(v.)* اضافه کردن
Please add your name to the list.
«لطفاً نام خودت را به لیست اضافه کن.»

day-to-day *(adj.)* روزانه، روز به روز
This is a part of our day-to-day work.
«این بخشی از کار روزانهٔ ما است.»

certainly *(adv.)* قطعاً، حتماً
Mike is certainly the best swimmer.
«مایک قطعاً بهترین شناگر است.»

improvement *(n.)* بهبود، پیشرفت
He's made great improvement in tennis.
«او در تنیس پیشرفتی عالی داشته است.»

label *(v. ,n.)* برچسب زدن، برچسب
I labeled all the boxes with my name.
«من جعبه‌ها را با نام خودم برچسب زدم.»

pack *(n.)* بسته
I bought a pack of chocolate yesterday.
«من دیروز یک بسته شکلات خریدم.»

item *(n.)* مورد، چیز
What's the next item on the list?
«مورد بعدی در لیست چه چیزی است؟»

etc. *(abbr.)* و غیره
Remember to take some paper, a pen, etc.
«به خاطر داشته باش مقداری کاغذ، یک خودکار و غیره برداری.»

beginner *(n.)* مبتدی، تازه‌کار
This class is suitable for beginners.
«این کلاس برای مبتدی‌ها مناسب است.»

make sure اطمینان حاصل کردن
Make sure you don't leave your phone on the bus.
«اطمینان حاصل کن که تلفنت را در اتوبوس جا نگذاری.»

escape *(v.)* فرار کردن
The two men escaped into the forest.
«آن دو مرد به داخل جنگل فرار کردند.»

grammar *(n.)* دستور زبان، گرامر
Is grammar very important?
«آیا دستور زبان خیلی مهم است؟»

program *(n.)* برنامه
Did you watch the program on TV last night?
«آیا دیشب آن برنامه را در تلویزیون تماشا کردی؟»

decide *(v.)* تصمیم گرفتن
She decided that she didn't want to come.
«او تصمیم گرفت که نمی‌خواهد بیاید.»

afraid *(adj.)* ترسیده
Don't be afraid to open the door.
«از باز کردن در نترسید.»

mistake *(n.)* اشتباه
Don't worry, we all make mistakes.
«نگران نباش، همهٔ ما اشتباه می‌کنیم.»

confident *(adj.)* مطمئن، دارای اعتماد به نفس
I'm confident that our team will win.
«من مطمئن هستم که تیم ما برنده خواهد شد.»

quite *(adv.)* کاملاً، واقعاً

I went to bed quite late last night.

«من دیشب واقعاً دیر خوابیدم.»

access *(n. ,v.)* دسترسی، دسترسی داشتن

Do you have access to a computer at home?

«آیا تو در خانه به کامپیوتر دسترسی داری؟»

mention *(v.)* ذکر کردن، نام بردن، اشاره کردن

She didn't mention your name.

«او نام تو را ذکر نکرد.»

appear *(v.)* ظاهر شدن

This word appeared in the text three times.

«این کلمه در متن سه بار ظاهر شد (آمد).»

artist *(n.)* هنرمند

Andy Warhol was a famous American artist.

«اندی وارهول یک هنرمند معروف آمریکایی بود.»

ترجمهٔ متن کتاب درسی

An endangered language is **a language** that has very **few speakers**.(1) Nowadays, **many languages** are losing their native speakers.(2) When a language dies, the knowledge and culture disappear with it.(3) **A lot of endangered languages** are in Australia and South America.(4) Some of them are in Asia and Africa.(5) The number of live languages of the world is around 7000, and many of them may not exist in the future.(6) **Many researchers** are now trying to protect endangered languages.(7) This can save **lots of information** and cultural values of people all around the world.(8)

یک زبان در معرض خطر، زبانی است که تعداد خیلی کمی گویش‌ور دارد.(۱) امروزه، تعدا زیادی از زبان‌ها در حال از دست دادن گویش‌ورهای بومی‌شان هستند.(۲) وقتی یک زبان می‌میرد، دانش و فرهنگ با آن ناپدید می‌شوند.(۳) تعداد زیادی از زبان‌های در معرض خطر در استرالیا و آمریکای جنوبی هستند.(۴) بعضی از آن‌ها در آسیا و آفریقا هستند.(۵) تعداد زبان‌های زندهٔ دنیا در حدود ۷۰۰۰ است و تعداد بسیاری از آن‌ها ممکن است در آینده وجود نداشته باشند.(۶) حالا تعداد زیادی از محققین در حال تلاش هستند تا از زبان‌های در معرض خطر محافظت کنند.(۷) این می‌تواند مقدار زیادی از اطلاعات و ارزش‌های فرهنگی مردم در سرتاسر دنیا را نجات دهد.(۸)

***

There are many uncountable words for food in English.(1) Native speakers often use words such as 'a bag of, 'two slices of', or 'a piece of' with uncountable nouns.(2) This usually happens when they go shopping.(3) They may ask for **two bottles of** water, **a bag of** sugar, **a loaf of** bread, or **two kilos of** meat.(4) In a coffee shop, they may order **a cup of** tea, **a piece of** cake, or **a glass of** juice.(5) If a foreign learner uses uncountable words wrongly, English speakers may not understand them well.(6) So when you learn English, be very careful about this important point.(7)

در (زبان) انگلیسی تعداد زیادی کلمهٔ غیرقابل شمارش برای غذا وجود دارند.(۱) گویش‌ورهای بومی اغلب کلمه‌هایی مانند «یک کیسه از»، «دو برش (تکه) از» یا «یک تکه از» را همراه اسم‌های غیرقابل‌شمارش استفاده می‌کنند.(۲) این معمولاً موقعی اتفاق می‌افتد که آن‌ها به خرید می‌روند.(۳) آن‌ها ممکن است دو بطری آب، یک کیسه شکر، یک قرص نان یا دو کیلو گوشت درخواست کنند.(۴) در یک کافی‌شاپ، آن‌ها ممکن است یک فنجان چای، یک تکه کیک یا یک لیوان آبمیوه سفارش دهند.(۵) اگر یک فراگیر، اسم‌های غیرقابل‌شمارش را به طور اشتباه مورد استفاده قرار دهد، ممکن است گویش‌ورهای انگلیسی آن‌ها را به خوبی درک نکنند.(۶) بنابراین وقتی شما انگلیسی یاد می‌گیرید، در مورد این نکتهٔ مهم خیلی مراقب باشید.(۷)

درسنامه

اسم‌های قابل شمارش و غیرقابل شمارش "Countable and Uncountable Nouns"

در زبان انگلیسی اسم‌ها به دو گروه تقسیم می‌شوند:

۱) اسم قابل‌شمارش: اسمی است که شمرده می‌شود، تعداد دارد و قابل جمع بستن است. مانند اسم‌های زیر:

car → cars book → books watch → watches child → children

۲) اسم غیرقابل‌شمارش: اسمی است که شمرده نمی‌شود، مقدار دارد و جمع بسته نمی‌شود. بعضی از اسم‌های غیرقابل‌شمارش که تا کنون خوانده‌اید، اسم‌های زیر هستند:

advice	توصیه	help	کمک	rice	برنج
air	هوا	honey	عسل	salad	سالاد
attention	توجه	ice cream	بستنی	seafood	غذای دریایی
baggage	بار سفر	information	اطلاعات	sleep	خواب
blood	خون	jelly	ژله	snow	برف
bread	نان	juice	آبمیوه	sport	ورزش
communication	ارتباط	knowledge	دانش	sugar	شکر، قند
carbon	کربن	love	عشق	tea	چای
cheese	پنیر	meat	گوشت	tennis	تنیس
chess	شطرنج	metal	فلز	time	زمان
coffee	قهوه	milk	شیر	today	امروز، امروزه
danger	خطر	money	پول	traffic	ترافیک
energy	انرژی	news	خبر	travel	سفر
food	غذا	oxygen	اکسیژن	water	آب
fruit	میوه	paper	کاغذ	weather	آب‌وهوا
fun	تفریح	power	قدرت	wildlife	حیات وحش
gold	طلا	rain	باران	wood	چوب
health	سلامتی	research	تحقیق	work	کار

کلمه‌ها یا عبارت‌هایی (صفت‌های کمّی) که قبل از اسم‌های قابل‌شمارش و غیرقابل‌شمارش به کار می‌روند به‌صورت جدول زیر هستند:

قبل از اسم‌های غیرقابل‌شمارش		قبل از اسم‌های قابل‌شمارش	
اعداد به کار نمی‌روند.	×	یک، دو، سه،...، چندین	one، two، three ،...، several
مقدار خیلی کم، مقدار کم	little، a little	تعداد خیلی کم، تعداد کم	few، a few
مقداری	some	تعدادی	some
مقدار زیادی	much	تعداد زیادی	many
مقدار زیادی	lots of، a lot of	تعداد زیادی	lots of، a lot of
مقدار زیادی	plenty of	تعداد زیادی	plenty of
چه مقداری ...؟	How much ...?	چه تعدادی ...؟	How many ...?

درسنامه

تست ۱ گزینهٔ درست را انتخاب کنید.

There is ..... bread in this basket.

(1) a few (2) a little (3) many (4) three

«در این سبد مقدار کمی نان وجود دارد.»

پاسخ:

از آن‌جا که اسم bread (نان) غیرقابل‌شمارش است، دارای «تعداد» نیست بلکه «مقدار» دارد. در بین گزینه‌ها فقط گزینهٔ (۲) که به معنی «مقدار کمی» است، درست می‌باشد.

نکتهٔ طلایی وقتی از a few استفاده می‌کنیم، کمیتی را بیان می‌کنیم که تعداد آن مثبت است و تقریباً هم‌معنی با some (تعدادی کافی) است، اما few بیانگر کمیتی است که تعداد آن منفی است و تقریباً هم‌معنی با no (هیچ) است.

a few = two or three / a couple اما few = not many / almost none

⇒ I have a few friends who speak Japanese.

«من تعداد کمی دوست دارم که ژاپنی صحبت می‌کنند.» (+)

⇒ Mary has made few mistakes in her life.

«مری در زندگی‌اش اشتباهات خیلی کمی انجام داده است.» (−)

در مورد a little و little نیز به همین ترتیب است. a little تقریباً هم‌معنی some (مقداری کافی) بوده و مقدار آن مثبت است اما little مقداری (ناکافی) است که منفی است و تقریباً هم‌معنی not much (نه مقداری زیاد) است.

a little = less than some but more than none اما little = not much

⇒ He put a little sugar in his coffee.

«او مقدار کمی شکر در قهوه‌اش ریخت.» (+)

⇒ He had little experience working with children, so he was not hired.

«او تجربهٔ خیلی کمی در کار کردن با بچه‌ها داشت، بنابراین استخدام نشد.» (−)

تست ۲ گزینهٔ درست را انتخاب کنید.

I have ..... money. I need to take out some from an ATM now.

(1) a few (2) a little (3) little (4) many

«من پول خیلی کمی دارم (من پول خیلی زیادی ندارم). من الآن باید از خودپرداز مقداری برداشت کنم.»

پاسخ:

از آن‌جا که اسم money (پول) غیرقابل‌شمارش است، دارای «مقدار» است در نتیجه گزینه‌های (۱) و (۴) نمی‌توانند درست باشند. با توجه به معنی جملهٔ دوم متوجه می‌شویم که پول من «ناکافی» است، پس گزینهٔ (۳) درست است.

نکته بعد از How many حتماً یک اسم قابل‌شمارش و جمع به کار می‌رود و بعد از How much حتماً یک اسم غیرقابل‌شمارش به کار می‌رود.

⇒ How many horses do you see in the zoo?

«در باغ وحش چه تعداد اسب می‌بینید؟»

⇒ How much milk do you drink every day?

«هر روز چه مقدار شیر می‌نوشید؟»

تست ۳ گزینهٔ درست را انتخاب کنید.

How many ..... did you see in the room last night?

(1) apple (2) tea (3) child (4) women

«شب گذشته در اتاق چه تعداد زن دیدی؟»

پاسخ:

از آن‌جا که بعد از How many اسم قابل‌شمارشِ جمع می‌آید فقط گزینهٔ (۴) درست است. دقت داشته باشید که women شکل جمع woman است. بقیهٔ گزینه‌ها اسم مفرد هستند.

درسنامه

نکتهٔ طلایی دقت داشته باشید که a lot of و lots of در وسط جمله می‌آیند و بعد از آن‌ها اسم به کار می‌رود اما بعد از a lot اسم به کار نمی‌رود و معمولاً در آخر جمله می‌آید.

A: How much money do you have? B: I have a lot of money / I have lots of money. / I have a lot.

نکته برای اسم‌های غیرقابل‌شمارش از واحدهای شمارش مختلفی استفاده می‌شود که برخی از آن‌ها به‌صورت زیر هستند:

a bottle of	(یک بطری...)	⇒ a bottle of water / milk / juice / tea
a cup of	(یک فنجان...)	⇒ a cup of tea / coffee / juice
a glass of	(یک لیوان...)	⇒ a glass of water / juice / milk
a bag of	(یک کیسه...)	⇒ a bag of rice / sugar / salt
a piece of	(یک تکه...)	⇒ a piece of cake / fruit / bread
a slice of	(یک برش...)	⇒ a slice of pizza / banana / apple
a kilo of	(یک کیلو...)	⇒ a kilo of cheese / rice / meat / fruit
a loaf of	(یک قرص...)	⇒ a loaf of bread

See Also

کاربرد اعداد در جمله "Numbers"

نکته ۱ سؤالی که با ... How many (چه تعداد) پرسیده می‌شود همیشه اسم جمع دارد، حتی اگر پاسخ مفرد باشد.

A: How many children are there in the room? B: There is one child in the room.

نکته ۲ اعداد قبل از اسم‌های قابل شمارش به کار می‌روند. دقت داشته باشید که بعد از one اسم مفرد به کار می‌رود و بعد از اعداد two, three, ... اسم جمع به کار می‌رود.

نکته ۳ اگر تأکیدی بر عدد وجود نداشته باشد می‌توان به جای one از a / an نیز استفاده کرد. به خاطر داشته باشید که اگر اسم مفردی با حروف صدادار «a, o, u, i, e» به کار برود، قبل از آن به جای a از an استفاده می‌کنیم.

به مثال‌های زیر دقت کنید:

⇒ This is an apple. «بیان این‌که این سیب است.»

⇒ I have a brother. «بیان این‌که من برادر دارم.»

⇒ I have one brother and two sisters. «بیان این‌که من فقط یک برادر و دو خواهر دارم.»

⇒ My cousin has two brothers and three sisters. «به اسم‌های جمع بعد از اعداد دقت کنید.»

درسنامه

نکته ۴ اگر قبل از اسمی، یک صفت قرار بگیرد، عدد یا شمارنده را قبل از صفت می‌نویسیم.

⇒ a big apple «یک سیب بزرگ»

⇒ an easy book «یک کتاب آسان»

⇒ one hundred foreign students «یک‌صد دانشجوی خارجی»

⇒ some endangered languages «تعدادی زبان در معرض خطر»

نکته ۵ برای پرسیدن در مورد قیمت چیزی از ...? How much استفاده می‌کنیم.

A: How much are those pants? B: They are $100. «آن شلوار چه قیمتی است؟» «آن ۱۰۰ دلار است.»

نکته ۶ اعداد ... ، million ، thousand ، hundred جمع بسته نمی‌شوند مگر این‌که بخواهیم به «تعداد خیلی زیادی» اشاره کنیم که معمولاً به‌صورت "hundreds of" یا "thousands of" و ... به کار می‌روند.

⇒ I have two hundred students. «من دویست دانش‌آموز دارم.»

⇒ There are hundreds of thousands of birds in the sky. «صدها هزار پرنده در آسمان وجود دارند.»

Pronunciation

تکیهٔ صوتی "Stress"

در زبان انگلیسی برای بیان کلمه‌هایی که دارای دو بخش یا بیش‌تر هستند، باید یک بخش را با تکیهٔ صوتی (stress) بیش‌تری بیان کرد. مطمئن‌ترین روش برای اطلاع از این‌که بدانیم یک کلمه، چند بخشی است و stress آن روی کدام بخش است، مراجعه به فرهنگ لغت است.

به کلمه‌های زیر دقت کنید:

• •
before (دو بخشی با تکیه بر روی بخش دوم)

• • •
computer (سه بخشی با تکیه بر روی بخش دوم)

• •
added (دو بخشی با تکیه بر روی بخش اول)

نکته ۱ اعداد زیر که به «-ty» ختم می‌شوند، همه دوبخشی می‌باشند و stress روی بخش اول آن‌ها است.

• • • • • • • • • • • • • •
twenty / thirty / forty / fifty / sixty / seventy / eighty / ninety

نکته ۲ در اعدادی که به «-teen» ختم می‌شوند، stress روی بخش آخر، یعنی «-teen» است.

• • • • • • • • • • • • • •
thirteen / fourteen / fifteen / sixteen / seventeen / eighteen / nineteen

Writing

جمله‌های ساده "Simple Sentences"

تعریف جملهٔ ساده: در زبان انگلیسی هر جمله باید حداقل یک فاعل و یک فعل داشته باشد. چنین جمله‌ای را جملهٔ ساده می‌نامند.

* کسی یا چیزی را که جمله، در مورد آن صحبت می‌کند، فاعل می‌نامند. به خاطر داشته باشید که فاعل (انجام‌دهندهٔ کار) یک جمله، یک اسم (شخص، جا، چیز) یا یک ضمیر است. ضمیر کلمه‌ای مانند I، he، she، we، you، they است که به جای اسم به کار رفته است.

* آن‌چه که دربارهٔ فاعل صحبت می‌کند (خودِ انجام کار)، فعل است.

درسنامه

* یک جملهٔ ساده می‌تواند مفعول نیز داشته باشد. مفعول اسمی است که پذیرای یک عمل است. برای پیدا کردن مفعول می‌توانید از خود بپرسید «چه کسی را؟» یا «چه چیزی را؟».

⇒ My brother is driving the car.
فاعل فعل مفعول
«برادرم در حال راندن اتومبیل است.»

⇒ We studied English.
فاعل فعل مفعول
«ما انگلیسی خواندیم.»

نکته ۱ همان‌طورکه می‌بینید، یک جمله با حرف بزرگ شروع می‌شود و به نقطه ختم می‌شود.

نکته ۲ یک جملهٔ ساده هم‌چنین می‌تواند اطلاعات اضافی (تکمیلی)، بیش‌تر به شکل قیدهای مکان، زمان و حالت داشته باشد.

⇒ My brother is driving the car fast now.
فاعل فعل مفعول قید حالت قید زمان
«برادرم الان در حال سریع راندن اتومبیل است.»

⇒ We studied English carefully in the library.
فاعل فعل مفعول قید حالت قید مکان
«ما در کتابخانه با دقت انگلیسی خواندیم.»

تست ۴ در جملهٔ زیر مفعول کدام است؟

The young man was eating lunch in the restaurant last Monday.

1) man 2) lunch 3) restaurant 4) Monday

«آن مرد جوان دوشنبهٔ گذشته در حال خوردن شام در رستوران بود.»

پاسخ:
برای پیدا کردن «مفعول» می‌پرسیم: «چه چیزی را» یا «چه کسی را». بنابراین گزینهٔ (۲) صحیح است.

نکتهٔ طلایی معمولاً یک جملهٔ خبری ساختار زیر را دارد:

. قید زمان + قید مکان + قید حالت + مفعول + فعل اصلی + قید تکرار + (not) + فعل کمکی + فاعل

- فاعل: انجام‌دهندهٔ کار است. مانند: my father (پدر من)، he (او)، that boy (آن پسر) و ... .
- فعل کمکی: کلمه‌های زیر فعل کمکی هستند:

am، is، are / was، were / do، does، did / can، could، may، might، should، must، will، would

- فعل اصلی: خودِ انجام کار است. مانند: go (رفتن)، play (بازی کردن) و ... .
- قید تکرار: بعضی از قیدهای تکرار عبارتند از:

never (هرگز)، hardly ever (به ندرت)، sometimes (بعضی اوقات)، often (اغلب)، usually (معمولاً)، always (همیشه)

- مفعول: برای پیدا کردن مفعول می‌پرسیم «چه چیزی را» یا «چه کسی را».
- قید حالت: اکثر قیدهای حالت با اضافه کردن ly– به آخر بعضی از صفت‌ها ساخته می‌شوند. مانند: quickly (به سرعت)، angrily (با عصبانیت) و ... .
- قید مکان: کلمه یا عبارتی است که در اصل اسم یک مکان را بیان می‌کند. مانند: at school (در مدرسه)، library (کتابخانه) و ... .
- قید زمان: کلمه یا عبارتی است که یک زمان را بیان می‌کند. مانند: today (امروز)، in the morning (در صبح) و ... .

فاعل: **subject**	فعل: **verb**	مفعول: **object**
قید تکرار: **adverb of frequency**		قید حالت: **adverb of manner**
قید مکان: **adverb of place**		قید زمان: **adverb of time**

امتحان

جلد دوم :

درس اوّل

Lesson 1

Understanding People

انگلیسی یازدهم
English 11

شیرتاپیاز

Questions
سؤالات امتحانی درس ۱

Lesson 1

PART 1 (Pages 15 - 20)
Title Page - Get Ready - Conversation

VOCABULARY واژگان

۱. هر جمله را با تصویر مربوط به آن جور کنید.

1. This is a parking lot. ( )
2. Don't swim here. ( )
3. I'm reading a storybook. ( )
4. I'm a high school student. ( )

a

c

b

d

۲. در هر ردیف، کلمهٔ ناهماهنگ را مشخص کنید.

5. grass – flower – point – plant
6. Russian – Japan – Persian – Italian

۳. جمله‌های زیر را با کلمه‌های داده‌شده کامل کنید (یک کلمه اضافه است).

available – honest – points – written – grass – fluently – experience

7. The best way to learn is by ..... .
8. She made several interesting ..... in the booklet.
9. French was a language he never spoke ..... .
10. My dad is cutting the ..... in the garden.
11. We are going to have a ..... exam.
12. This dress is also ..... in larger sizes.

۴. جمله‌های زیر را با دانش خود کامل کنید.

13. A: What is Fred like? B: To be ..... with you, I don't like him very much.
14. I tried to speak to her in her native ....., French.
15. She spoke loudly because her mother was a little ..... . She can't hear well.
16. A: Thanks for your help. B: ..... .
17. Deaf people use ..... language to communicate.

۵. کلمه‌ها یا عبارت‌های دو ستون را به هم وصل کنید و عبارت معنی‌داری بسازید و آن‌ها را بنویسید.

18. learn	a. with people
19. write	b. your cellphone
20. turn off	c. a language
21. communicate	d. a storybook

۶. هر کلمه را به تعریف آن وصل کنید (یک تعریف اضافه است).

A		B
22 early	( )	a a school for young people between the ages of 14 and 18
23 available	( )	b exchange information, ideas etc.
24 deaf	( )	c not able to hear anything
25 high school	( )	d ready for you to use, have or see
		e before the usual or right time

۷. مترادف یا متضاد کلمه‌های مشخص‌شده را از داخل کادر پیدا کنید و جلوی جمله بنویسید (یک کلمه اضافه است).

begin - turn on - written - absolutely - late

26 We surely love the car. .....

27 You must turn off your cell phone here. .....

28 I got the job and I start work on Monday! .....

29 She works the early shift. .....

۸. هر سؤال و پاسخ آن را با هم جور کنید.

30 How many languages do you speak fluently?	( )	a I can swim and draw good pictures.
31 When did you learn Spanish?	( )	b It is not absolutely clear.
32 Where can I park my car?	( )	c I speak Spanish and Portuguese very well.
33 What does the sign show?	( )	d I began studying it when I was in Madrid.
34 Does he have any experience?	( )	e There's a parking lot round the corner.
35 What are your abilities?	( )	f It says, "Keep off the grass."

Lesson 1

PART 2 (Pages 21 - 23)

New Words & Expressions

VOCABULARY واژگان

۹. هر جمله را با تصویر مربوط به آن جور کنید.

36 I think around thirty percent of people live in villages. ( )

37 Deaf people use sign language to communicate. ( )

38 Did you know that this is the poorest continent in the world? ( )

39 My friend's native language is Spanish not English. ( )

a

b

c

d

۱۰. مترادف یا متضاد کلمه‌های مشخص‌شده را از داخل کادر پیدا کنید و جلوی جمله بنویسید (یک کلمه اضافه است).

change – start – place – mental – late

40 Where's Italy's best region? .....
41 Our menus vary with the season. .....
42 Come here in the early afternoon. .....
43 When does the quiz show begin tonight? .....

۱۱. جدول زیر را کامل کنید.

44 Does water really ..... on Mars?
45 She was worried about her son's ..... and physical development.
46 The boys started playing ..... the fact that it was raining.
47 Millions of people celebrated the beginning of the 21st ..... on January 1, 2000.
48 The world's ..... is increasing rapidly. Now Billions of people live on Earth.

44	E									
45	M									
46	D									
47	C									
48	P									

۱۲. هر تعریف را با کلمهٔ مرتبط با آن جور کنید (یک کلمه اضافه است).

49 the power and knowledge to do something ( )
50 the number of people who live in a place ( )
51 to tell someone about something ( )
52 liked by a lot of people ( )
53 how much money you pay to buy something ( )

(a) explain
(b) price
(c) society
(d) population
(e) ability
(f) popular

۱۳. پاسخ درست را انتخاب کنید.

54 The birds come back to this ..... every year.
(1) region (2) price (3) century (4) language

55 Alex has shown some ..... with foreign languages.
(1) century (2) society (3) ability (4) family

56 This center helps people with ..... illness.
(1) favorite (2) mental (3) native (4) selfish

57 She has had a number of different jobs, ... from cook to teacher.
(1) existing (2) forming (3) ranging (4) imagining

58 I could hear every ..... they were saying.
(1) word (2) space (3) institute (4) tongue

59 One of the large land masses of the earth such as Europe or Africa is called a/an ..... .
(1) foreigner (2) world (3) price (4) continent

۱۴. هر جمله را با دانش خود و فقط با یک کلمه کامل کنید.

60 This institute ..... the needs of all students.

61 They opened the door by ..... of an old key.

62 Don't take any ..... of what you read in the newspapers.

63 This MP3 player can save thousands of hours of music ..... its small size.

Lesson 1

PART 3 (Pages 24 - 27)

Reading - Reading Comprehension - Vocabulary Development

VOCABULARY واژگان

۱۵. هر کلمه را با تصویر مربوط به آن جور کنید.

64 tiny ( )

65 easy ( )

66 wish ( )

67 give up ( )

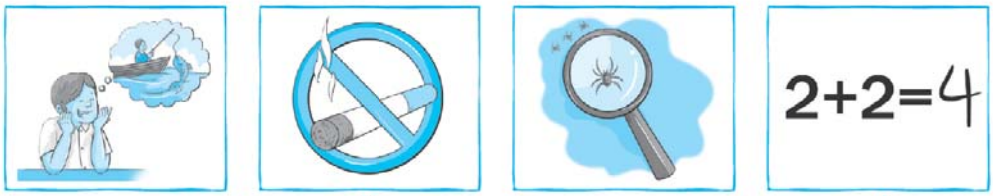

a b c d

۱۶. جمله‌های زیر را با کلمه‌های داده‌شده کامل کنید (یک کلمه اضافه است).

seek – through – speaker – luckily – exist – forming – largely – grew – probable

68 Few of these monkeys still ..... in the wild.

69 The water ran ..... my fingers.

70 The library has an interesting talk by a visiting ..... every month.

71 The sky ..... dark and it began to rain.

72 The water is fast,....., I am a good swimmer.

73 Her early experiences played an important role in ..... her personality.

74 It is ..... that life exists outside of our planet.

75 My grandfather went to the hospital to ..... help for his stomach pain.

۱۷. جدول زیر را کامل کنید.

76 A: Are 'greatly' and 'largely' .....? B: I'm not sure.

77 The program is ..... the computer's files.

78 My grandfather's gold watch is really ..... .

79 I am learning a new ..... these days.

76	S						M	S
77	S	C						G
78	V							E
79	L		N					E

۱۸. جمله‌های زیر را با دانش خود کامل کنید.

(80) The movie was boring, ... we left the cinema.

(81) Language is a system of ..... all around the world.

(82) I'm going to do it, no ..... what people say.

۱۹. هر کلمه را با تعریف آن جور کنید.

(83) learner ( )	(a)	using speech and not writing
(84) spoken ( )	(b)	not hard to understand or do
(85) synonym ( )	(c)	a word that has the same meaning as another word in the same language
(86) native ( )	(d)	a person who is trying to gain knowledge or skill in something
(87) simple ( )	(e)	the place where a person was born and raised

۲۰. وصل کنید و بنویسید.

(88) native ( )	(a)	the needs	.....
(89) exchange ( )	(b)	languages	.....
(90) hundreds ( )	(c)	speaker	.....
(91) endangered ( )	(d)	knowledge	.....
(92) meet ( )	(e)	of millions	.....

Lesson 1

PART 4 (Pages 28 - 47)

Grammar - Listening & Speaking - Pronunciation - Writing - What You Learned

VOCABULARY واژگان

۲۱. با توجه به شکل هر عبارت را با یک واحد شمارش مناسب کامل کنید.

(93) two ..... of bread

(94) a ..... of milk

(95) a ..... of melon

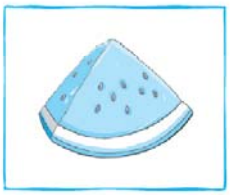

(96) a ..... of rice

(97) some ..... of water

(98) a ..... of cake

۲۲. در هر ردیف، کلمهٔ ناهماهنگ را مشخص کنید.

(99) sugar – rice – coffee – glass

(100) bottle – slice – glass – bag

(101) bread – juice – water – milk

۲۳. جمله‌های زیر را با کلمه‌های داده‌شده کامل کنید (یک کلمه اضافه است).

grades – Canadian – traffic – order – wrongly – live – smart

102 A: What nationality is Joe? B: I think he's ..... .

103 We're trying to increase ..... to our site.

104 I am studying harder, therefore my ..... are better this year.

105 She's ..... enough to know what the best way is.

106 Unfortunately, they translated the sentences ..... .

107 Will you ..... for me while I make a phone call?

۲۴. متضاد کلمه‌هایی که زیرشان خط کشیده شده است را بنویسید.

108 Please <u>turn off</u> the TV before you leave. .....

109 There are <u>a few</u> endangered languages. .....

110 Can you name some <u>uncountable</u> nouns? .....

111 We saw an <u>interesting</u> movie last week. .....

۲۵. هر کلمه را به تعریف آن وصل کنید.

112 meat ( )

113 song ( )

114 pick ( )

115 somewhere ( )

116 borrow ( )

(a) to take and lift someone or something

(b) the parts of an animal that you can eat

(c) at, in, or to a place that you do not know exactly

(d) to take and use something that belongs to someone else for a short time

(e) a piece of music with words that you sing

۲۶. جای خالی را با یک کلمهٔ مناسب پر کنید (ممکن است بیش از یک پاسخ درست وجود داشته باشد).

117 We need two ..... of sugar today.

118 I have some ..... of pizza. Let's eat them together.

119 Let's get a few ..... of bread.

120 I was thirsty, so I drank two ..... of water.

۲۷. در جدول زیر نام پنج اسم غیرقابل‌شمارش بیابید.

121 .....

122 .....

123 .....

124 .....

125 .....

J	U	I	C	E	U	W	T	N
G	B	R	H	Q	C	A	M	F
S	T	S	E	I	O	T	H	R
S	F	A	E	L	F	R	Z	U
U	A	H	S	O	F	E	D	I
G	F	J	E	P	E	K	F	T
A	I	W	T	L	E	T	A	E
R	C	B	R	E	A	D	S	X

۲۸. مکالمهٔ زیر را بخوانید و جمله‌های آن را به ترتیب شماره‌گذاری کنید.

126 ..... You're welcome.

127 ..... How much is it?

128 ..... That's ten dollars a kilo.

129 ..... Thanks so much.

130 ..... Excuse me. Can I have a loaf of bread, please?

131 ..... Sure. Here you are.

132 ..... It's five dollars.

133 ..... And how much is a kilo of cheese?

۲۹. هر جمله را با تصویر مربوط به آن جور کنید.

134 Children should drink a glass of milk every day. ( )

135 There are some candles on the table. ( )

136 Can I borrow your pencil-sharpener, please? ( )

137 The bird in the tree is singing beautifully. ( )

a

b

c

d

GRAMMAR گرامر

۳۰. گزینهٔ درست را از بین دو گزینهٔ داخل پرانتز انتخاب کنید.

138 My mom bought some milk, some apples and a (little / few) bananas.

139 There are some (rice / people) in the kitchen.

140 How much (bread / apple) do you need today?

141 There's a lot of (money / people) in the bank.

142 How many (child / children) do you have, Mr. Campbell?

143 That little boy ate (four / a little) slices of pizza when he was here.

144 Why is she buying (a lot / a lot of) sugar?

145 Sorry, I can't help you more. I don't have (many / much) information.

146 How (much / many) traffic is there? Can we get there on time?

۳۱. گزینهٔ درست را انتخاب کنید.

147 The doctor had ..... time to think in the emergency room.

① a few ② little ③ many ④ very

148 We did not have ..... warm weather this week.

① much ② many ③ few ④ a lot

149 I want to buy a new sports car, but I only have ..... money.
① many ② a lot of ③ few ④ little

150 There was ..... food in the kitchen, so I went to the restaurant.
① a lot of ② a few ③ much ④ little

151 I had ..... free time, so I read ..... books.
① many / some ② some / a few ③ much / a little ④ little / many

152 Did you watch ..... movies?
① those two interesting ② two interesting those
③ two those interesting ④ interesting those two

153 We ate some ..... of cake and drank ..... orange juice.
① two pieces / some ② a piece / much ③ pieces / lots of ④ piece / little

154 Can I have ..... cheese and ..... cup of coffee?
① a lot / one ② a few / many ③ some / two ④ some / a

۳۲. در جاهای خالی جمله‌های زیر (a، an، some، ×) قرار دهید.

155 I saw ..... people in the park yesterday.
156 There's ..... tall boy in the classroom.
157 We need ..... bottle of milk.
158 He mentioned that ..... milk is good for your health.
159 There is ..... old woman in the kitchen.
160 Did you know that ..... all vegetables keep you healthy?
161 We are going to buy ..... new car.
162 The teacher asked me ..... easy question.
163 Mr. King ate ..... slices of pizza.
164 I have ..... good news for you.

۳۳. جاهای خالی را با how many یا how much پر کنید.

165 I want to go shopping, mom. ..... bread do you need?
166 I don't remember ..... information they have.
167 Reza, ... pieces of fruit did you eat?
168 ..... water is there in that big bottle?
169 ..... bags of rice are you going to buy?
170 Can you tell me ..... people are coming here?

۳۴. با توجه به تصویرها پاسخ کامل دهید.

171 How many trees do you see in this park?
.....

172 Is there a lot of milk in the glass?
.....

173 How much money did you save last year?

.....

175 Are there many slices of pizza in the picture?

.....

174 Is the boy going to do a lot of homework?

.....

176 What did Mr. Jackson buy last week?

.....

۳۵. در هر ردیف، کلمه‌های در هم ریخته را مرتب کنید و یک جملهٔ درست بنویسید.

177 and / walked away / into / the artist / forest / disappeared / the /.

.....

178 usually / grandmother / on Fridays / visit / my / they / .

.....

179 access / to / the Internet / do / at home / you / have /?

.....?

180 read / picked up / explanations / the bags / I / and / the / .

.....

WRITING نگارش

۳۶. در هر جمله، زیر فاعل و دور مفعول خط بکشید.

181 The man checked the explanations.

182 I usually get good grades.

183 The kids are drinking milk.

184 Nowadays, many languages are losing their native speakers.

۳۷. کلمه‌های داخل پرانتز را مرتب کنید و جمله‌های ناقص را کامل کنید.

185 I have ..... . (interesting / some / books)

186 There are ..... in the room. (boys / tall / two)

187 Alex bought ..... yesterday. (modern / car / a)

188 Mahdi is watching ..... these days. (a few / old / movies)

189 I can see ..... . (women / three / young)

PRONUNCIATION — تلفظ

۳۸. در هر جمله، stress عددها را مشخص کنید.

190 **Ali labled forty boxes.**

191 **A: How many are there? B: Nineteen.**

192 **A: How old are you? B: I am fourteen.**

CLOZE TEST — متن Cloze

۳۹. متن زیر را بخوانید و پاسخ درست را انتخاب کنید.

Language and ..... (193) are not all about the spoken words، and body language plays an important role in the way we communicate with ..... (194) other. We usually like to think that we are good ..... (195) understanding people's body language and، sometimes، we can be. But ..... (196) shows that we still have absolutely no idea how we should be teaching people to guess when dangerous people lie.

193 ① explanation ② communication ③ attraction ④ attention

194 ① each ② every ③ many ④ —

195 ① to ② in ③ at ④ with

196 ① region ② century ③ research ④ value

READING COMPREHENSION — درک مطلب

۴۰. متن زیر را بخوانید و پاسخ دهید.

An endangered language is a language that is at risk of falling out of use as its speakers die out or shift to speaking another language. Language is lost when the language has no more native speakers and becomes a "dead language". If no one can speak the language at all، it becomes an "extinct language". Scientists may still study a dead language through recordings or writings، but it is still dead or extinct unless there are fluent speakers.

آ) با توجه به متن، مقابل جملهٔ درست (T) و مقابل جملهٔ نادرست (F) بنویسید.

197 **A 'dead language' has many speakers.** .....

198 **Scientists study languages.** .....

ب) با توجه به متن، پاسخ دهید.

199 **What is an endangered language?**

.....

200 **When is language lost?**

.....

پ) متن را Scan کنید و جلوی توضیح داده‌شده یک کلمه یا عبارت بنویسید.

201 **If no one can speak a language at all:** .....

202 **not alive:** .....

Answers
پاسخ‌نامهٔ تشریحی درس ۱

۱. (b) «این یک پارکینگ است.»
۲. (c) «این‌جا شنا نکنید.»
۳. (d) «من در حال خواندن کتاب داستان هستم.»
۴. (a) «من دانش‌آموز دبیرستان هستم.»
۵. "point" «چمن - گُل - نکته - گیاه»
۶. "Japan" «زبان روسی - ژاپن - زبان فارسی - زبان ایتالیایی»
۷. "experience" «بهترین راه یادگیری از طریق تجربه است.»
۸. "points" «او در آن کتابچه به چند نکتهٔ جالب اشاره کرد.»
۹. "fluently" «فرانسوی زبانی بود که او هرگز آن را سلیس صحبت نکرد.»
۱۰. "grass" «بابای من در حال قطع (کوتاه) کردن چمن در باغ است.»
۱۱. "written" «ما قرار است آزمون نوشتاری (کتبی) داشته باشیم.»
۱۲. "available" «این پیراهن زنانه در سایزهای بزرگ‌تر نیز قابل دسترس است.»
۱۳. "honest" «فِرِد چه شخصیتی دارد؟» «صادقانه به شما بگویم، من او را خیلی دوست ندارم.»
۱۴. "language" «من سعی کردم با او به زبان بومی‌اش، فرانسوی صحبت کنم.»
۱۵. "deaf" «او بلند صحبت کرد زیرا مادرش کمی ناشنوا است. او نمی‌تواند خوب بشنود.»
۱۶. "You're welcome." «از کمک‌تان متشکرم.» «خواهش می‌کنم.»
۱۷. "sign" «افراد ناشنوا از زبان اشاره استفاده می‌کنند تا ارتباط برقرار کنند.» (**توضیح:** sign language یعنی زبان اشاره.)
۱۸. "learn a language" «یاد گرفتن یک زبان»
۱۹. "write a storybook" «نوشتن کتاب داستان»
۲۰. "turn off your cellphone" «خاموش کردن تلفن همراه‌تان»
۲۱. "communicate with people" «ارتباط برقرار کردن با مردم»
۲۲. "e" «زود = قبل از زمان معمول یا درست»
۲۳. "d" «قابل دسترس = آماده برای شما جهت استفاده کردن، داشتن یا دیدن»
۲۴. "c" «ناشنوا = قادر نبودن به شنیدن هیچ چیز»
۲۵. "a" «دبیرستان = مدرسه‌ای برای افراد جوان بین سنین ۱۴ تا ۱۸»
۲۶. "absolutely" «ما حتماً اتومبیل را دوست داریم.»
۲۷. "turn on" «شما باید این‌جا تلفن همراه‌تان را خاموش کنید.»
۲۸. "begin" «من آن شغل را گرفتم و کار را از دوشنبه شروع می‌کنم!»
۲۹. "late" «او در شیفت زود کار می‌کند.»
۳۰. "c" «شما چند زبان را سلیس صحبت می‌کنید؟» «من اسپانیایی و پرتغالی را خیلی خوب صحبت می‌کنم.»
۳۱. "d" «اسپانیایی را چه موقع یاد گرفتید؟» «من وقتی در مادرید بودم شروع به خواندن آن کردم.»
۳۲. "e" «من کجا می‌توانم اتومبیلم را پارک کنم؟» «یک پارکینگ در همین نزدیکی است.»
۳۳. "f" «آن علامت چه چیزی را نشان می‌دهد؟» «آن می‌گوید: وارد چمن نشوید.»
۳۴. "b" «آیا او هیچ تجربه‌ای دارد؟» «آن دقیقاً شفاف (مشخص) نیست.»
۳۵. "a" «توانایی‌های تو چه هستند؟» «من می‌توانم شنا کنم و تصویرهای خوب طراحی کنم.»
۳۶. "b" «من فکر می‌کنم حدود سی درصد مردم در روستاها زندگی می‌کنند.»
۳۷. "a" «افراد ناشنوا برای ارتباط برقرار کردن از زبان اشاره استفاده می‌کنند.»
۳۸. "d" «آیا می‌دانستی که این فقیرترین قاره در جهان است؟»
۳۹. "c" «زبان بومی دوست من اسپانیایی است نه انگلیسی.»
۴۰. "place" «بهترین منطقهٔ ایتالیا کجا است؟»
۴۱. "change" «منوهای ما با فصل تغییر می‌کند.»
۴۲. "late" «بعد از ظهر زود به این‌جا بیایید.»
۴۳. "start" «مسابقهٔ تلویزیونی امشب چه موقع شروع می‌شود؟»
۴۴. "exist" «آیا آب واقعاً در مریخ وجود دارد؟»
۴۵. "mental" «او در مورد رشد جسمی و عاطفی پسرش نگران بود.»
۴۶. "despite" «آن پسرها علی‌رغم این حقیقت که باران می‌بارید، شروع به بازی کردند.»
۴۷. "century" «میلیون‌ها نفر آغاز قرن ۲۱ را در اول ژانویه ۲۰۰۰ جشن گرفتند.»
۴۸. "population" «جمعیت دنیا به سرعت در حال افزایش یافتن است. حالا میلیاردها نفر روی زمین زندگی می‌کنند.»
۴۹. "c" «قدرت و دانش برای انجام کاری = توانایی»
۵۰. "d" «تعداد افرادی که در یک مکان زندگی می‌کنند = جمعیت»
۵۱. "a" «گفتن به شخصی در مورد چیزی = توضیح دادن»
۵۲. "f" «دوست داشته‌شده توسط بسیاری از مردم = محبوب»
۵۳. "b" «مقدار پولی که برای خریدن چیزی می‌پردازید = قیمت»
۵۴. گزینهٔ (۱) - «پرنده‌ها هر سال به این منطقه باز می‌گردند.»
(۱) منطقه (۲) قیمت
(۳) قرن (۴) زبان
۵۵. گزینهٔ (۳) - «الکس (از خود) در زبان‌های خارجی توانایی نشان داده است.»
(۱) قرن (۲) جامعه
(۳) توانایی (۴) خانواده
۵۶. گزینهٔ (۲) - «این مرکز به افراد دارای بیماری عاطفی کمک می‌کند.»
(۱) مورد علاقه (۲) عاطفی
(۳) بومی (۴) خودخواه
۵۷. گزینهٔ (۳) - «او تعدادی شغل مختلف داشته است، متغیر از آشپز گرفته تا معلم.»
(۱) وجود داشتن (۲) تشکیل شدن
(۳) متغیر بودن (۴) تصور کردن

۵۸. گزینهٔ (۱) - «من می‌توانستم هر کلمه‌ای را که آن‌ها می‌گفتند، بشنوم.»
(۱) کلمه (۲) فضا
(۳) مؤسسه (۴) زبان

۵۹. گزینهٔ (۴) - «یکی از توده‌های خشکی کرهٔ زمین مانند اروپا یا آفریقا قاره نامیده می‌شود.»
(۱) خارجی (۲) دنیا
(۳) قیمت (۴) قاره

۶۰. "meets" «این مؤسسه نیازهای همهٔ دانش‌آموزان را برآورده می‌کند.»

۶۱. "means" «آن‌ها در را به وسیلهٔ یک کلید قدیمی باز کردند.»

۶۲. "notice" «هیچ توجهی به آن‌چه در روزنامه‌ها می‌خوانید نکنید.»

۶۳. "despite" «این پخش کنندهٔ MP3 می‌تواند علی‌رغم اندازهٔ کوچکش هزاران ساعت موسیقی را ذخیره کند.»

۶۴. "c" «خیلی کوچک، ریز»

۶۵. "d" «آسان»

۶۶. "a" «آرزو»

۶۷. "b" «ترک کردن»

۶۸. "exist" «تعداد خیلی کمی از این میمون‌ها هنوز در حیات وحش وجود دارند.»

۶۹. "through" «آب از لابه‌لای انگشت‌های من عبور کرد.»

۷۰. "speaker" «این کتابخانه هر ماه یک سخنرانی جالب توسط یک سخنران بازدیدکننده دارد.»

۷۱. "grew" «آسمان تاریک شد و باران شروع به باریدن کرد.»

۷۲. "luckily" «آب سریع است، خوشبختانه من شناگر خوبی هستم.»

۷۳. "forming" «تجربه‌های اولیهٔ او نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت او بازی کرد.»

۷۴. "probable" «این‌که زندگی در خارج از سیارهٔ ما وجود داشته باشد محتمل است.»

۷۵. "seek" «پدربزرگ من به آن بیمارستان رفت تا برای درد شکمش کمک جست‌وجو کند (به دنبال کمک بگردد).»

۷۶. "synonyms" «آیا greatly و largely مترادف هستند؟» «من مطمئن نیستم.»

۷۷. "scanning" «آن برنامه در حال اسکن کردن فایل‌های کامپیوتر است.»

۷۸. "valuable" «ساعت طلای پدربزرگم واقعاً با ارزش است.»

۷۹. "language" «من این روزها در حال یادگیری زبان جدیدی هستم.»

۸۰. "so / therefore" «آن فیلم کسل‌کننده بود، بنابراین ما سینما را ترک کردیم.»

۸۱. "communication" «زبان سیستم برقراری ارتباط در تمام دنیا است.»

۸۲. "matter" «من قصد دارم آن را انجام دهم، مهم نیست مردم چه می‌گویند. (عبارت no matter یعنی «مهم نیست.»)»

۸۳. "d" «فراگیر = شخصی که سعی دارد دانش یا مهارت در چیزی را به‌دست بیاورد»

۸۴. "a" «گفته‌شده، شفاهی = استفاده از سخن و نه نوشتن»

۸۵. "c" «مترادف = کلمه‌ای که با یک کلمهٔ دیگر در همان زبان معنی مشابهی دارد»

۸۶. "e" «بوم، بومی = جایی که یک شخص متولد شده یا بزرگ شده»

۸۷. "b" «ساده = سخت نبودن برای درک کردن یا انجام دادن»

۸۸. "native speaker" «گویش‌ور بومی»

۸۹. "exchange knowledge" «تبادل دانش کردن»

۹۰. "hundreds of millions" «صدها میلیون»

۹۱. "endangered languages" «زبان‌های در معرض خطر»

۹۲. "meet the needs" «برآورده کردن نیازها»

۹۳. "loaves" «دو قرص نان»

۹۴. "bottle" «یک بطری شیر»

۹۵. "slice" «یک برش هندوانه»

۹۶. "bag" «یک گونی برنج»

۹۷. "glasses" «تعدادی لیوان آب»

۹۸. "piece / slice" «یک تکه / برش کیک»

۹۹. "glass" «شکر – برنج – قهوه – لیوان»

۱۰۰. "slice" «بطری – برش – لیوان – گونی»

۱۰۱. "bread" «نان – آبمیوه – آب – شیر»

۱۰۲. "Canadian" «ملیت جو چیست؟» «فکر کنم او کانادایی است.»

۱۰۳. "traffic" «ما سعی داریم ترافیک (بازدید) سایت‌مان را افزایش دهیم.»

۱۰۴. "grades" «من دارم سخت‌تر درس می‌خوانم، بنابراین نمره‌های من امسال بهتر هستند.»

۱۰۵. "smart" «او به اندازهٔ کافی باهوش است که بداند بهترین روش چیست.»

۱۰۶. "wrongly" «متأسفانه آن‌ها جمله‌ها را به اشتباه ترجمه کردند.»

۱۰۷. "order" «ممکن است هنگامی که من تماس می‌گیرم شما برای من (غذا) سفارش دهید؟»

۱۰۸. "turn on" «لطفاً قبل از خارج شدن تلویزیون را خاموش کنید.»

۱۰۹. "many / a lot of" «تعداد کمی زبان در معرض خطر وجود دارند.»

۱۱۰. "countable" «آیا می‌توانید چند اسم غیرقابل‌شمارش نام ببرید؟»

۱۱۱. "boring" «ما هفتهٔ گذشته یک فیلم جالب دیدیم.»

۱۱۲. "b" «گوشت = قسمت‌های یک حیوان که می‌توانید بخورید»

۱۱۳. "e" «آواز = یک قطعه موسیقی با کلمه‌هایش که شما می‌خوانید»

۱۱۴. "a" «برداشتن = گرفتن و بلند کردن کسی یا چیزی»

۱۱۵. "c" «جایی = در داخل یا به سمت جایی که شما دقیقاً نمی‌شناسید»

۱۱۶. "d" «قرض گرفتن = گرفتن و استفاده کردن از چیزی که متعلق به شخص دیگری است برای مدت کوتاه»

۱۱۷. "kilos / bags" «ما امروز دو کیلو / کیسه شکر لازم داریم.»

۱۱۸. "sclices" «من چند برش پیتزا دارم. بیا آن‌ها را با هم بخوریم.»

۱۱۹. "loaves" «بیا چند قرص نان بخریم.»

۱۲۰. "glasses / bottles" «من تشنه بودم بنابراین دو لیوان / بطری آب خوردم.»

J	U	I	C	E	U	W	T	N
G	B	R	H	Q	C	A	M	F
S	T	S	E	I	O	T	H	R
S	F	A	E	L	F	R	Z	U
U	A	H	S	O	F	E	D	I
G	F	J	E	P	E	K	F	T
A	I	W	T	L	E	T	A	E
R	C	B	R	E	A	D	S	X

۱۲۱. "juice" «آبمیوه»

۱۲۲. "bread" «نان»

۱۲۳. "sugar" «شکر»

۱۲۴. "fruit" «میوه»

۱۲۵. "coffee" «قهوه»

۱۲۶. «۸» «خواهش می‌کنم.»

۱۲۷. «۳» «قیمت آن چقدر است؟»

۱۲۸. «۶» «آن هر کیلو ده دلار است.»

۱۲۹. «۷» «خیلی متشکرم.»

۱۳۰. «۱» «ببخشید. آیا می‌توانم یک قرص نان داشته باشم (بردارم)، لطفاً؟»

۱۳۱. «۲» «حتماً. بفرمایید.»

۱۳۲. «۴» «آن پنج دلار است.»

۱۳۳. «۵» «و قیمت هر کیلو پنیر چقدر است؟»

۱۳۴. "d" «بچه‌ها باید هر روز یک لیوان شیر بنوشند.»

۱۳۵. "a" «تعدادی شمع روی میز وجود دارند.»

۱۳۶. "c" «آیا می‌توانم تراش شما را قرض بگیرم، لطفاً؟»

۱۳۷. "b" «آن پرندهٔ روی درخت به زیبایی آواز می‌خواند.»

۱۳۸. "few" «مادرم مقداری شیر، تعدادی سیب و (مقدار کمی / تعداد کمی) موز خرید.»

توضیح: کلمهٔ banana (موز)، اسم قابل‌شمارش بوده و دارای تعداد است.

۱۳۹. "people" «در آشپزخانه تعدادی از (برنج / مردم) هستند.»

توضیح: چون فعل جمله are است، پس نمی‌تواند با rice (برنج) به کار برود. برنج غیرقابل‌شمارش است و همیشه با is به کار می‌رود.

۱۴۰. "bread" «امروز چه مقدار (نان / سیب) لازم دارید؟»

توضیح: کلمهٔ پرسشی How much (چه مقدار) همراه اسم‌های غیرقابل‌شمارش به کار می‌رود.

۱۴۱. "money" «در بانک مقدار زیادی (پول / مردم) وجود دارد.»

توضیح: چون فعل جمله is است، پس اسم جمع people (مردم) نمی‌تواند بعد از آن به کار برود.

۱۴۲. "children" «آقای کمپبل، شما چه تعداد (بچه / بچه‌ها) دارید؟»

توضیح: در سوال‌ها همیشه بعد از How many اسم جمع به کار می‌رود، حتی اگر پاسخ مفرد باشد.

۱۴۳. "four" «آن پسر کوچک وقتی این جا بود (چهار / مقداری) برش پیتزا خورد.»

توضیح: چون اسم موجود در جمله یعنی slices جمع است، باید قبل از آن «تعداد» به کار برود.

۱۴۴. "a lot of" «چرا او در حال خریدن (مقدار زیادی / مقداری زیادی) شکر است؟»

توضیح: دو عبارت a lot و a lot of هر دو به یک معنی هستند اما بعد از a lot اسم به کار نمی‌رود.

۱۴۵. «ببخشید، من نمی‌توانم بیش‌تر کمکتان کنم. من اطلاعات (زیاد / زیاد) ندارم.»

توضیح: کلمهٔ information (اطلاعات)، اسم غیرقابل‌شمارش است و دارای «مقدار» است.

۱۴۶. «چه (مقدار / تعداد) ترافیک وجود دارد؟ آیا ما می‌توانیم به موقع به آن‌جا برسیم؟»

توضیح: کلمهٔ traffic (ترافیک)، اسم غیرقابل‌شمارش است و دارای «مقدار» است. پس باید بپرسیم: How much (چه مقدار).

۱۴۷. گزینهٔ (۲) – «آن پزشک مقدار خیلی کمی زمان داشت تا در اتاق اورژانس فکر کند.»

(۱) تعداد کمی (۲) مقدار خیلی کمی

(۳) تعداد زیادی (۴) خیلی

توضیح: کلمهٔ time (زمان)، اسم غیرقابل‌شمارش است، پس «مقدار» دارد. در ضمن دقت داشته باشید که very قبل از صفت‌ها و قیدها می‌آید نه قبل از اسم‌ها.

۱۴۸. گزینهٔ (۱) – «ما این هفته هوای گرم زیادی نداشتیم.»

(۱) مقدار زیادی (۲) تعداد زیادی

(۳) تعداد خیلی کمی (۴) تعداد زیادی، مقدار زیادی

توضیح: کلمهٔ weather (آب و هوا)، اسم غیرقابل‌شمارش است و «مقدار» دارد، نه «تعداد». در ضمن بعد از a lot اسم به کار نمی‌رود و در این جمله کاربرد ندارد.

۱۴۹. گزینهٔ (۴) – «من می‌خواهم یک اتومبیل اسپرت جدید بخرم، اما فقط مقدار خیلی کمی پول دارم.»

(۱) تعداد زیادی (۲) تعداد زیاد، مقدار زیاد

(۳) تعداد کمی (۴) مقدار خیلی کمی

توضیح: کلمهٔ money (پول)، اسم غیرقابل‌شمارش است، پس «مقدار» دارد، در نتیجه یا گزینهٔ (۲) درست است یا گزینهٔ (۴). با توجه به معنی جمله، فقط گزینهٔ (۴) درست است.

۱۵۰. گزینهٔ (۴) – «در آشپرخانه غذای خیلی کمی وجود داشت، پس من به رستوران رفتم.»

(۱) تعداد زیادی، مقدار زیادی (۲) تعداد کمی

(۳) مقدار زیادی (۴) مقدار خیلی کمی

توضیح: کلمهٔ food (غذا)، اسم غیرقابل‌شمارش است، پس گزینهٔ (۲) نادرست است. با توجه به معنی جمله نیز می‌توان دریافت که فقط گزینهٔ (۴) درست است.

۱۵۱. گزینهٔ (۲) - «من مقداری وقت آزاد داشتم، بنابراین تعداد کمی کتاب خواندم.»

(۱) تعداد زیادی / تعدادی، مقداری

(۲) تعدادی، مقداری / تعداد کمی

(۳) مقدار زیادی / مقدار کمی

(۴) مقدار خیلی کمی / تعداد زیادی

توضیح: کلمهٔ time (زمان)، اسم غیرقابل‌شمارش است و «مقدار» دارد، کلمهٔ books (کتاب‌ها) نیز اسم قابل‌شمارش و جمع است، پس «تعداد» دارد. در نتیجه یا گزینهٔ (۲) درست است یا گزینهٔ (۴). با توجه به معنی جمله فقط گزینهٔ (۲) درست است.

۱۵۲. گزینهٔ (۱) - «آیا تو آن دو فیلم جالب را تماشا کردی؟»

توضیح: قبل از یک اسم ابتدا ضمیر اشاره (در این‌جا those) سپس عدد (در این‌جا two) و بعد از آن صفت (در این‌جا interesting) به کار می‌رود.

۱۵۳. گزینهٔ (۳)- «ما تعدادی تکه کیک خوردیم و مقدار زیادی آب پرتقال نوشیدیم.»

(۱) دو تکه / تعدادی

(۲) یک تکه / مقدار زیادی

(۳) تکه‌هایی / تعداد زیادی، مقدار زیادی

(۴) تکه، مقدار خیلی کمی

توضیح: بعد از some بلافاصله اسم به کار می‌رود، پس گزینه‌های (۱) و (۲) نادرست هستند. در ضمن اسم قابل‌شمارشی که بعد از some به کار می‌رود باید جمع باشد، در نتیجه گزینهٔ (۴) نیز نادرست است.

۱۵۴. گزینهٔ (۴) - «آیا می‌توانم مقداری پنیر و یک فنجان قهوه بخورم؟»

(۱) تعداد زیادی، مقدار زیادی / یک

(۲) تعداد کمی / تعداد زیادی

(۳) تعدادی، مقداری / دو

(۴) تعدادی، مقداری / یک

توضیح: در این‌جا اسم cup مفرد است و قبل از آن باید a به کار برود. پس فقط گزینهٔ (۴) درست است.

۱۵۵. "some" «من دیروز در پارک تعدادی افراد را دیدم.»

توضیح: کلمهٔ people (مردم، افراد)، اسم جمع است، پس قبل از آن some (تعدادی) به کار می‌رود.

۱۵۶. "a" «یک پسر قدبلند در کلاس است.»

توضیح: عبارت tall boy (پسر قدبلند) مفرد است و با حرف (t) شروع شده است.

۱۵۷. "a" «ما یک بطری شیر لازم داریم.»

توضیح: کلمهٔ bottle (بطری)، اسم مفرد است و با حرف (b) شروع شده است.

۱۵۸. "×" «او بیان کرد که شیر برای سلامت تو خوب است.»

توضیح: هرگاه در مورد یک اسم به طور کلی و عمومی صحبت کنیم، قبل از آن هیچ حرف تعریفی به کار نمی‌رود.

۱۵۹. "an" «در آشپزخانه یک زن پیر هست.»

توضیح: عبارت old woman (زن پیر) مفرد است و با حرف (o) شروع شده است.

۱۶۰. "×" «آیا می‌دانستید که همهٔ سبزی‌ها شما را سالم نگه می‌دارند؟»

توضیح: هرگاه در مورد یک اسم به طور کلی و عمومی صحبت کنیم، قبل از آن هیچ حرف تعریفی به کار نمی‌رود.

۱۶۱. "a" «ما قصد داریم یک اتومبیل جدید بخریم.»

توضیح: عبارت new car (اتومبیل جدید) مفرد است و با حرف (n) شروع شده است.

۱۶۲. "an" «معلم از من یک سوال آسان پرسید.»

توضیح: عبارت easy question (سوال آسان) مفرد است و با حرف (e) شروع شده است.

۱۶۳. "some" «آقای کینگ چند برش پیتزا خورد.»

توضیح: عبارت slices of pizza (برش‌های پیتزا) جمع است.

۱۶۴. "some" «من برای تو خبرهایی دارم.»

توضیح: عبارت good new (خبر خوب) غیرقابل شمارش است پس قبل از آن از some استفاده می‌شود.

۱۶۵. "How much" «من می‌خواهم به خرید بروم، مامان. چه مقدار نان لازم داری؟»

توضیح: کلمهٔ bread (نان)، اسم غیرقابل‌شمارش است.

۱۶۶. "how much" «من به خاطر نمی‌آورم آن‌ها چه مقدار اطلاعات دارند.»

توضیح: کلمهٔ information (اطلاعات)، اسم غیرقابل‌شمارش است.

۱۶۷. "how many" «رضا، چه تعداد (چند) تکه میوه خوردی؟»

توضیح: کلمهٔ pieces (تکه‌ها)، اسم قابل‌شمارش و جمع است.

۱۶۸. "How much" «چه مقدار آب در آن بطری بزرگ وجود دارد؟»

توضیح: کلمهٔ water (آب)، اسم غیرقابل‌شمارش است.

۱۶۹. "How many" «چه تعداد گونی برنج قصد دارید بخرید؟»

توضیح: کلمهٔ bags (گونی‌ها)، اسم جمع و قابل‌شمارش است.

۱۷۰. "how many" «آیا می‌توانید به من بگویید چه تعدادی از افراد دارند به این‌جا می‌آیند؟»

توضیح: کلمهٔ people (مردم، افراد)، اسم قابل‌شمارش و جمع است.

۱۷۱. «چه تعدادی درخت در این پارک می‌بینید؟»

We see many trees in this park.

«ما در این پارک تعداد زیادی درخت می‌بینیم.»

۱۷۲. «آیا در این لیوان مقدار زیادی شیر وجود دارد؟»

Yes, there is a lot of milk in the glass.

«بله، در این لیوان مقدار زیادی شیر وجود دارد.»

۱۷۳. «شما در سال گذشته چه مقدار پول پس‌انداز کردید؟»

I saved a lot of money last year.

«من سال گذشته مقدار زیادی پول پس‌انداز کردم.»

۱۷۴. «آیا این پسر قصد دارد مقدار زیادی تکلیف انجام دهد؟»

Yes, the boy is going to do a lot of homework.

«بله، این پسر قصد دارد مقدار زیادی تکلیف انجام دهد.»

۱۷۵. «آیا در تصویر تعداد زیادی برش پیتزا وجود دارند؟»
No, there are two slices of pizza in the picture.
«نه، در تصویر دو برش پیتزا وجود دارند.»

۱۷۶. «آقای جکسون هفتهٔ گذشته چه چیزی خرید؟»
He bought three bags of rice.
«او سه گونی برنج خرید.»

۱۷۷.
The artist walked away and disappeared into the forest.
«آن هنرمند قدم‌زنان دور شد و در جنگل ناپدید شد.»

۱۷۸.
They usually visit my grandmother on Fridays.
«آن‌ها معمولاً مادربزرگ من را در جمعه‌ها ملاقات می‌کنند.»

۱۷۹. Do you have access to the Internet at home?
«آیا تو در خانه به اینترنت دسترسی داری؟»

۱۸۰. I picked up the bags and read the explanations.
«من کیسه‌ها را برداشتم و توضیحات را خواندم.»

۱۸۱. «آن مرد توضیحات را چک کرد.»
The man checked the explanations.

۱۸۲. «من معمولاً نمره‌های خوب می‌گیرم.»
I usually get good grades.

۱۸۳. «بچه‌ها در حال نوشیدن شیر هستند.»
The kids are drinking milk.

۱۸۴. «امروزه، تعداد زیادی از زبان‌ها گویش‌وران بومی خود را از دست می‌دهند.»
Nowadays, many languages are losing their native speakers.

۱۸۵. «من تعدادی کتاب جالب دارم.»
I have some interesting books.

۱۸۶. «در اتاق دو پسر بلند قد هستند.»
There are two tall boys in the room.

۱۸۷. «الکس دیروز یک اتومبیل مدرن خرید.»
Alex bought a modern car yesterday.

۱۸۸. «مهدی این روزها در حال تماشا کردن تعداد کمی فیلم قدیمی است.»
Mahdi is watching a few old movies these days.

۱۸۹. «من می‌توانم سه زن جوان ببینم.»
I can see three young women.

۱۹۰.
Ali labled forty boxes.

۱۹۱.
A: How many are there? B: Nineteen.

۱۹۲.
A: How old are you? B: I am fourteen.

ترجمهٔ متن Cloze Test

زبان و برقراری ارتباط تماماً در مورد کلمه‌های بیان‌شده نیست، و زبان بدن در روشی که ما با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنیم نقش مهمی دارد. ما معمولاً دوست داریم فکر کنیم در فهم زبان بدن افراد مهارت داریم و بعضی اوقات می‌توانیم داشته باشیم. اما تحقیق نشان می‌دهد که ما هنوز قطعاً در مورد این‌که چطور به مردم آموزش دهیم که افراد خطرناک چه موقع دروغ می‌گویند، هیچ ایده‌ای نداریم.

۱۹۳. گزینهٔ (۲) – "communication"

۱) توضیح	۲) برقراری ارتباط
۳) جاذبه	۴) توجه

۱۹۴. گزینهٔ (۱) – "each"

۱) هر	۲) هر
۳) تعداد زیادی	۴) —

توضیح: عبارت each other به معنی «یکدیگر» است.

۱۹۵. گزینهٔ (۳) – "at"

۱) در	۲) در
۳) در	۴) با

توضیح: عبارت be good at به معنی «مهارت داشتن در» است.

۱۹۶. گزینهٔ (۳) "research"

۱) منطقه	۲) قرن
۳) تحقیق	۴) ارزش

ترجمهٔ متن Reading Comprehension

یک زبان در معرض خطر، زبانی است که در خطر مورد استفاده قرار نگرفتن است زیرا گویش‌ورانش منقرض می‌شوند یا به صحبت کردن به زبان دیگری تغییر (جهت) می‌دهند. زبان وقتی از دست می‌رود که هیچ گویش‌ور بومی ندارد و یک «زبان مُرده» می‌شود. اگر هیچ کس نتواند اصلاً به آن زبان صحبت کند، آن یک «زبان منقرض» (محسوب) می‌شود. دانشمندان ممکن است هنوز یک زبان مرده را از طریق (مطالب) ثبت و ضبط‌شده و نوشته‌ها مطالعه کنند، اما آن هنوز مرده یا منقرض است مگر این‌که گویش‌وران سلیس وجود داشته باشند.

۱۹۷. "F" یک «زبان مرده» تعداد زیادی گویش‌ور دارد.

۱۹۸. "T" دانشمندان زبان‌ها را مطالعه می‌کنند.

۱۹۹. «یک زبان در معرض خطر چیست؟»
An endangered language is a language that is at risk of falling out of use as its speakers die out or shift to speaking another language.
«یک زبان در معرض خطر زبانی است که در خطر مورد استفاده قرار نگرفتن است زیرا گویش‌ورانش منقرض می‌شوند یا به صحبت کردن به زبان دیگری تغییر (جهت) می‌دهند.»

۲۰۰. «زبان چه موقع از دست می‌رود؟»
Language is lost when the language has no more native speakers and becomes a "dead language".
«زبان وقتی از دست می‌رود که هیچ گویش‌ور بومی ندارد و یک «زبان مُرده» می‌شود.»

۲۰۱. "extinct language" «اگر کسی اصلاً نتواند به یک زبان صحبت کند: زبان منقرض»

۲۰۲. "dead" «زنده نیست: مرده»

آزمون درس اول

مدت امتحان: ۴۵ دقیقه

ردیف	سؤالات	بارم
۱	**واژگان** **A: Vocabulary** هر جمله را با تصویر مربوط به آن جور کنید. 1. Deaf people communicate through sign language. (.....) 2. There are some loaves of bread in the picture. (.....) 3. What percent of Americans can speak Spanish? (.....) 4. The sign says, "There is a parking lot around here." (.....) 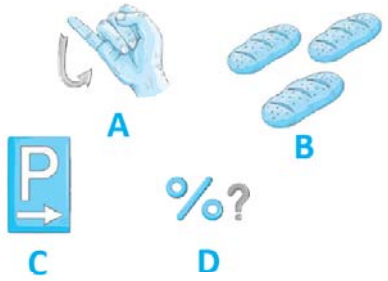 	1
۲	هر کلمه را با تعریف آن جور کنید. 5. native (.....) a) how much money you pay to buy something 6. price (.....) b) a glass or plastic container for liquids 7. smart (.....) c) connected with the place where you were born 8. bottle (.....) d) able to learn and think quickly	1
۳	پاسخ درست را انتخاب کنید. 9. Many of these children are a little ..... . They can't hear well. 1) deaf 2) clever 3) rude 4) nervous 10. In the third year, all the students will ..... the study of Chinese. 1) begin 2) solve 3) invite 4) meet 11. Our institute ..... the needs of all young people. 1) cleans 2) plays 3) meets 4) works 12. My mother put thirteen ..... on my birthday cake. I'm thirteen now. 1) bottles 2) booklets 3) songs 4) candles	1
۴	مترادف یا متضاد کلمه‌هایی که زیرشان خط کشیده شده است را بنویسید. 13. The old man comes from a tiny town. (=.....) 14. This cell phone is simple to use. (≠ .....) 15. Languages vary greatly from region to region. (=.....) 16. There are many foreigners in the hotel. (≠ .....)	1
۵	**دستور زبان** **B: Grammar** به سؤال‌های زیر با توجه به تصویر پاسخ دهید. 17. How many children does Mr. Hank have? ..... . 18. How much water is there in the glass? 	2

انگلیسی ▪ سال یازدهم

آزمون درس اول

مدت امتحان: ۴۵ دقیقه

ردیف	سؤالات	بارم
۶	پاسخ درست را انتخاب کنید.	2

19. My grandfather put ..... pieces of fruit on the table.
1) a little 2) much 3) many 4) one

20. There were a lot of ..... in the room yesterday.
1) sugar 2) children 3) money 4) person

21. You can see ..... in this picture.
1) old women some 2) an orange T-shirt 3) young soldier 4) lots of bag

22. Can I borrow ..... money for a short time, sir?
1) few 2) many 3) lots 4) more

C: Writing نگارش

۷	در هر جمله، زیر فاعل و دور مفعول خط بکشید.	4

23. Last week, our teacher did not explain the lesson again.

24. That Russian translator spoke French very well.

۸	در هر ردیف، با استفاده از کلمه‌های داده‌شده یک جمله بسازید (در صورت لزوم کلمه اضافه کنید).	4

25. We ..... . (Monday / watched / movie / interesting)

26. The boy ..... . (some / slices / pizza / eating)

27. There ..... . (a few / now / pens / here)

28. How ..... ? (need / they / money)

D: Reading Comprehension درک مطلب

۹	متن زیر را بخوانید و پاسخ درست را انتخاب کنید.	4

All languages are really..... (29), despite their differences. Every language is an amazing ..... (30) of communication that meets the needs of its speakers. It is impossible to ..... (31) the world without language. Therefore, we must respect all languages, no ..... (32) how different they are and how many speakers they have.

29. 1) careful 2) valuable 3) possible 4) talkative

30. 1) work 2) means 3) wish 4) range

31. 1) exist 2) show 3) hold 4) imagine

32. 1) matter 2) price 3) plan 4) need

۱۰	متن زیر را بخوانید و پاسخ درست را انتخاب کنید.	4

Mother tongue education refers to any form of schooling that makes use of the language or languages that children are most familiar with. This is usually the language that children speak at home with their family. The 'mother tongue' does not have to be the language spoken by the mother. Children can and often speak more than one or even two languages at home. For example, they may speak one language with their mother, another with their father and a third with their grandparents.

33. What is mother tongue education? .....

34. Some children speak ..... than one or two ..... at home.

35. Mother tongue is absolutely the language spoken by the mother. TRUE ☐ FALSE ☐

	مجموع	24

انگلیسی ▪ سال یازدهم

آزمون درس اول

مدت امتحان: ۴۵ دقیقه

ردیف	پاسخنامه
۱	"A" «افراد ناشنوا از طریق زبان اشاره ارتباط برقرار می‌کنند.»
۲	"B" «تعدادی قرص نان در تصویر وجود دارند.»
۳	"D" «چه درصدی از آمریکایی‌ها می‌توانند اسپانیایی صحبت کنند؟»
۴	"C" «علامت می‌گوید: یک پارکینگ در این اطراف وجود دارد.»
۵	"c" «بومی = مرتبط با جایی که متولد شده‌اید»
۶	"a" «قیمت = مقدار پولی که برای خرید چیزی پرداخت می‌کنید»
۷	"d" «باهوش = قادر به یاد گرفتن و فکر کردن با سرعت»
۸	"b" «بطری = یک محفظهٔ شیشه‌ای یا پلاستیکی برای مایع‌ها»
۹	گزینهٔ (۱) - "deaf" «تعداد زیادی از این بچه‌ها کمی ناشنوا هستند. آن‌ها نمی‌توانند خوب بشنوند.» ۱) ناشنوا ۲) باهوش ۳) بی‌ادب ۴) عصبی
۱۰	گزینهٔ (۱) - "begin" «در سال سوم، همهٔ دانشجوها خواندن زبان چینی را شروع خواهند کرد.» ۱) شروع کردن ۲) حل کردن ۳) دعوت کردن ۴) ملاقات کردن
۱۱	گزینهٔ (۳) - "meets" «موسسهٔ ما نیازهای همهٔ افراد جوان را برآورده می‌کند.» ۱) تمیز کردن ۲) بازی کردن ۳) برآورده کردن ۴) کار کردن
۱۲	گزینهٔ (۴) - "candles" «مادر من سیزده شمع روی کیک تولدم گذاشت. من حالا سیزده ساله هستم.» ۱) بطری ۲) کتابچه ۳) آواز ۴) شمع
۱۳	"small" «آن پیرمرد اهل یک شهر کوچک است.»
۱۴	"hard" «استفاده کردن از این تلفن همراه ساده است.»
۱۵	"largely" «زبان‌ها تا حد زیادی از یک منطقه به منطقهٔ دیگر متفاوت هستند.»
۱۶	"a few" «تعداد زیادی (افراد) خارجی در هتل هستند.»
۱۷	«آقای هنک چند فرزند دارد؟» «او یک فرزند دارد.» He has one child.
۱۸	«در این لیوان چه مقدار آب وجود دارد؟» «در این لیوان مقداری / مقدار کمی آب وجود دارد.» There is some / a little water in the glass.
۱۹	گزینهٔ (۳) - "many" «پدربزرگ من تعداد زیادی تکه‌های میوه روی میز گذاشت.» **توضیح:** کلمهٔ «pieces» اسم جمع و قابل‌شمارش است، پس «تعداد» دارد.
۲۰	گزینهٔ (۲) - "children" «دیروز در اتاق تعداد زیادی بچه بودند.» **توضیح:** چون فعل جمله «were» است، اسم بعد از آن حتماً باید جمع باشد. در بین گزینه‌ها فقط «children» (بچه‌ها) جمع است که شکل مفرد آن «child» می‌باشد.
۲۱	گزینهٔ (۲) - "an orange T-shirt" «شما می‌توانید در این تصویر یک تیشرت نارنجی ببینید.» **توضیح:** به جز گزینهٔ (۲) بقیهٔ گزینه‌ها نادرست هستند و شکل درست آن‌ها به‌صورت زیر است: ۱) some old women ۳) a young soldier ۴) lots of bags

انگلیسی ▪ سال یازدهم

آزمون درس اول

مدت امتحان: ۴۵ دقیقه

ردیف	پاسخنامه
۲۲	گزینهٔ (۴) - "more" «آیا من می‌توانم پول بیش‌تری برای مدتی کوتاه قرض بگیرم، آقا؟» توضیح: کلمهٔ «money» اسم غیرقابل‌شمارش است، پس «تعداد» ندارد، در نتیجه دو گزینهٔ (۱) و (۲) نادرست هستند. گزینهٔ (۳) نیز ناقص است زیرا همیشه به صورت «lots of» به کار می‌رود.
۲۳	Last week, our teacher did not explain the lesson again. «هفتهٔ گذشته، معلم‌مان دوباره درس را توضیح نداد.»
۲۴	That Russian translator spoke French very well «آن مترجم روسی خیلی خوب به زبان فرانسوی صحبت کرد.»
۲۵	We watched an interesting movie on / last Monday. «ما در دوشنبهٔ / دوشنبهٔ گذشته یک فیلم جالب تماشا کردیم.»
۲۶	The boy is / was eating some slices of pizza. «آن پسر در حال خوردن چند برش از پیتزا است / بود.»
۲۷	There are a few pens here now. «الآن تعداد کمی خودکار در این‌جا وجود دارد.»
۲۸	How much money do they need? «آن‌ها چه مقدار پول لازم دارند؟»
	ترجمهٔ متن Cloze Test همهٔ زبان‌ها علی‌رغم اختلافاتشان واقعاً با ارزش هستند. هر زبانی یک وسیلهٔ ارتباطی شگفت‌انگیز است که نیازهای گویش‌ورهایش را برآورده می‌کند. غیر ممکن است که دنیا را بدون زبان تصور کرد. بنابراین، ما باید به همهٔ زبان‌ها احترام بگذاریم، مهم نیست که آن‌ها چقدر متفاوت هستند و چندگویش‌ور دارند.
۲۹	گزینه (۲) - "valuable" ۱) با احتیاط ۲) با ارزش ۳) ممکن ۴) پُرحرف
۳۰	گزینهٔ (۲) - "means" ۱) کار ۲) وسیله ۳) آرزو ۴) طیف
۳۱	گزینهٔ (۴) - "imagine" ۱) وجود داشتن ۲) نشان دادن ۳) برگزار کردن ۴) تصور کردن
۳۲	گزینهٔ (۱) - "matter" ۱) موضوع ۲) قیمت ۳) برنامه ۴) نیاز توضیح: عبارت «no matter» یعنی «مهم نیست».
	ترجمهٔ متن Reading Comprehension آموزش به زبان مادری به هر نوع تحصیلی اشاره می‌شود که از زبان یا زبان‌هایی استفاده می‌کند که کودکان با آن‌ها بیش‌تر آشنا هستند. این معمولاً همان زبانی است که کودکان در منزل با خانواده‌شان صحبت می‌کنند. «زبان مادری» الزاماً زبانی نیست که مادر صحبت می‌کند. کودکان می‌توانند در خانه بیش از یک و حتی دو زبان صحبت کنند و اغلب می‌کنند. به عنوان مثال، آن‌ها ممکن است با مادرشان به یک زبان، با پدرشان به یک زبان دیگر و با پدربزرگ و مادربزرگ خود به زبان سوم صحبت کنند.
۳۳	«آموزش زبان مادری چیست؟» Mother tongue education refers to any form of schooling that makes use of the language or languages that children are most familiar with. «آموزش به زبان مادری به هر نوع تحصیلی اشاره می‌شود که از زبان یا زبان‌هایی استفاده می‌کند که کودکان با آن‌ها بیش‌تر آشنا هستند.»
۳۴	«بعضی از کودکان در خانه بیش از یک یا دو زبان صحبت می‌کنند.» Some children speak more than one or two languages at home.
۳۵	«زبان مادری قطعاً زبانی است که توسط مادر صحبت می‌شود.» "FALSE"